



تربیت فرزند

از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

(سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند)

مهدی آقابابایی

فهرست

۵	مقدمه
۷	حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> الگوی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> هستند
۹	بخش اول: نام گذاری بچه در شکم مادر
۱۰	نکته:
۱۰	نجات جنینی که احتمال سقط آن است
۱۱	بخش دوم: انتخاب بهترین نام‌ها برای فرزندان
۱۲	داشتن نام نیکو
۱۴	بخش سوم: خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد
۱۴	چگونگی اثر گذاشتن اذان و اقامه در نوزادان
۱۷	بخش چهارم: عقیقه و سر تراشیدن نوزاد
۱۸	زمان عقیقه ؛ دستور عقیقه
۱۹	دعای عقیقه
۲۰	بخش پنجم: سر تراشیدن نوزاد
۲۱	بخش ششم: سوراخ کردن گوش نوزاد
۲۳	بخش هفتم: اظهار محبت نسبت به فرزندان
۲۶	ترس از لوس شدن نوزاد
۳۱	بخش هشتم: برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری و مهربانی با فرزندان
۳۱	حانیّه از القاب حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۳۲	برخورداری از محبت مادر
۳۴	بخش نهم: استفاده از جاذبه‌ی شعر در تربیت کودکان
۳۵	چهار خواسته حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> از امام حسن <small>علیه السلام</small> و چهار پیام این اشعار

سرشناسه	: آقابابایی، مهدی، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام (سیره عملی حضرت زهرا علیه السلام در تربیت فرزند) / مهدی آقا بابایی.
مشخصات نشر	: قم: عطر عترة ، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص. ؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۲-۱۶۶-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	: Fatimah Zahra, The Saint -- Biography
موضوع	: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- راه و رسم زندگی
موضوع	: Fatimah Zahra, The Saint -- Conduct of life
موضوع	: تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: Domestic education -- Religious aspects -- Islam*
موضوع	: کودکان -- سرپرستی -- جنبه‌های مذهبی-- اسلام
موضوع	: Child rearing -- Religious aspects-- Islam
رده بندی کنگره	: ۲۷/۲۷/۲۷۱ ۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۰۱۳۳۰

تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا علیها السلام

(سیره عملی حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند)

مهدی آقابابایی

انتشارات عطر عترة

چاپ اول ۱۳۹۵ / چاپخانه گل وردی

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۰-۱۶۶-۲۴۳-۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۴۰۰۰ تومان

۳۶	درس‌هایی از این حرکت تربیتی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
۳۸	بخش دهم: رعایت عدالت بین فرزندان و عدم تبعیض بین فرزندان
۳۹	داستانی دیگر
۴۲	بخش یازدهم: تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی
۴۸	بخش دوازدهم: مأنوس نمودن فرزندان به مسجد و دقت
	در گفتار پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>
۴۹	درس‌هایی از این شیوه تربیتی حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> در تربیت کودکان
۵۱	چند نکته پیرامون حضور کودکان در مسجد
۵۳	وظایف بزرگترها در قبال کودکان
۵۳	الف: باورها
۵۴	ب: راه کارها
۵۶	بخش سیزدهم: توجه به بازی و تحرک کودکان
۵۷	بازی کوک با والدین
۵۸	اهمیت بازی
۶۰	بخش چهاردهم: ارج نهادن به شخصیت فرزندان
۶۵	بخش پانزدهم: توجه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران
۶۷	بخش شانزدهم: امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته‌های مشروع
۶۹	بخش هفدهم: توجه به حضور و غیاب فرزندان
۷۰	بخش هجدهم: تعلیم فرزندان به نوع دوستی و رعایت حقوق همسایگان
۷۲	بخش نوزدهم: توجه به نیازهای کودکان
۷۴	بخش بیستم: توجه به سلامتی فرزندان
۷۵	بخش بیست و یکم: استفاده و به کارگیری عوامل معنوی برای حل
	معضلات و مشکلات
۷۸	منابع و مأخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت، مادر است. اگر مادر اهل عبادت و بندگی باشد، فرزندان در خانه با مشاهده‌ی حالات مادر به این سمت کشیده می‌شوند.

نکته: حتی مواقعی که زن در ایام عادت به سر می‌برد خوب است که جانماز پهن کند و مشغول ذکر و دعا شود تا فرزندان به او شک ننمایند که چرا مادر در این ایام نماز نمی‌خواند.^۱

او بهترین مادر بود از این جهت که فرزندانی را که تربیت کرد همگی یا در راه خدا شهید شدند یا به اسارت رفتند، فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام، تمام زندگی خویش را وقف خدا و دین او کردند.

او بهترین مادر بود چون که به خوراک روح فرزندان نیز اهمیت می‌داد و فقط به فکر خوراک جسم نبود.

بچه‌ها را در شب قدر بیدار نگه می‌داشت و در بعضی مواقع آنها را همراه

۱ - توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۸۵، م ۴۷۶؛ مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

پدر به مسجد می‌فرستاد، به آن‌ها انفاق کردن و رسیدگی به حال فقرا را آموزش می‌داد.

مادر از مؤثرترین عواملی به حساب می‌آید که می‌تواند تأثیر فراوان در رشد شخصیت فرزندان داشته باشد. تأثیر مادر در تربیت فرزندان شایسته و صالح، آن چنان مهم است که امامان معصوم علیهم السلام به داشتن مادران با تقوا و پاکدامن افتخار می‌نمودند.

امام حسین علیه السلام برای معرفی خویش به کسانی که تحت تأثیر تبلیغات سوء حکومت بنی‌امیه به رویارویی با ایشان برخاسته اند، از مادران خویش سخن می‌گویند و می‌فرمایند:

«أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ،
قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ ... أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ
أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا...»

شما را به خدا! آیا می‌دانید که مادر من فاطمه زهرا علیها السلام دختر حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم است؟ ... شما را به خدا! آیا می‌دانید که خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی که اسلام را پذیرفت، مادر بزرگ من است.^۱

امام حسین علیه السلام همچنین در گفتار دیگری به آثار تربیت در دامن مادران پاکدامن می‌پردازد و اثر عمیق آن را در زندگی افراد این گونه شرح می‌دهند:

«إِذَا وَ انَّ الدَّعَىٰ بِنِ الدَّعَىٰ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ

۱ - امالی صدوق، ص ۱۵۸؛ غم نامه کربلا، ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۰۸.

و الذَّلَّةُ، و هیهات منَّا الذَّلَّةُ، یأبى الله لنا ذلک و رسوله و المؤمنون، و حجور طابت و حجور طهرت، و انوف حمیة، و نفوس ابیة من ان تؤثر طاعة اللئام علی مصارع الکرام؛ اینک [عبیدالله] ناپاک، فرزند ناپاک، مرا در پذیرش یکی از دو راه مرگ یا ذلت مجبور کرده است. اما هیئات که ما ذلت و خواری را نمی‌پذیریم. خدا و رسولش و مؤمنان و دامن‌های پاک و غیرتمندان و عزتمندان نمی‌پسندند که اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح دهیم.^۱

از امام صادق علیه السلام است که:

«طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛ خوشا به حال آن که مادری

عفیفه و پاکدامن داشته باشد.^۲

حضرت زهرا علیها السلام الگوی حضرت مهدی (عج) هستند

الگوپذیری و نیاز به الگو و سرمشق یکی از ضروریات تربیتی زندگی همه انسان‌ها است. از بالاترین انسان‌ها تا معمولی‌ترین آن‌ها باید به دنبال اسوه و الگو برای تعالی روح و روان خود جهت اتکا و پشتوانه شخصیتی باشند آن هم اسوه‌های پاک و بی‌خطا و به تعبیر قرآن کریم «اسوهی حسنه»، چه اگر انسان به اسوه‌ها و قهرمانان ارزشمند انسانی اقتدا نکرد

۱ - غم نامه کربلا، ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۲۱.

۲ - علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۶۴؛ الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۶۵.

قهرمانان و اسوه های کاذب فکر او را ربوده و رفتار او را تنظیم می کنند.

امام زمان (ع) که خود اسوه بهترین انسان ها می باشند مادر خود حضرت زهرا (ع) را به عنوان الگو و اسوه حسنه انتخاب و به او اقتدا نموده است:

«و فی ابنة رسول الله ﷺ لی اسوة حسنه؛ دختر رسول

خدا ﷺ برای من الگوی نمونه ای است.»^۱

این مجموعه شامل ۲۱ بخش از سیره ی عملی حضرت زهرا (ع) در تربیت و حقوق فرزند می باشد. نام کتاب را «تربیت فرزند از دیدگاه حضرت زهرا (ع) نهادم که گامی باشد برای تربیت فرزندان به سیره ی عملی حضرت زهرا (ع) که حضرتش فرزندان را نیکو تربیت و تحویل جامعه نمودند. امید است این اثر مورد رضای حضرت بقیه الله الاعظم (ع) و محبین حضرت زهرا (ع) قرار گیرد. ما را از نظرات و انتقادات خود آگاه سازید.

حوزه علمیه اصفهان

مهدی آقابابی

صفرالمظفر ۱۴۳۸ / آذر ماه ۱۳۹۵ ش.

بخش اول: نام گذاری بچه در شکم مادر

در فرهنگ مقدس اسلام دستور این است که پیش از تولد فرزند (دوران تکوین جنین و دمیدن روح در کودک) پدر و مادر برای فرزند خویش نامی انتخاب کنند.

حضرت امام صادق (ع) به نقل از پدرانش (ع) فرمود: حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده اند:

«برای فرزندان خود نام انتخاب کنید و اگر نمی دانید پسر است یا دختر، آنها را به نام هایی که بین پسر و دختر مشترک است نام نهید، همانا فرزندان که از شما سقط^۱ می شوند، اگر در دنیا برای آنها نامی انتخاب نکرده باشید، وقتی در روز قیامت شما را ملاقات می کنند به پدر می گوید: چرا برای من نامی قرار ندادی در حالی که پیغمبر ﷺ برای حضرت محسن (ع) قبل از این که به دنیا بیاید نام نهاد.^۲

۱ - فیض کاشانی می گوید: «عمر به قنفذ بن عمران دستور داد تا با تازیانه ای که در دستش بود، فاطمه (ع) را بزند، قنفذ هم آن قدر با تازیانه به پشت و پهلوی مبارک حضرت زد تا اینکه توانست حضرت فاطمه (ع) را از حضرت علی (ع) جدا نماید. جای ضربات تازیانه بر بدن مبارک و شریف حضرت فاطمه (ع) باقی ماند و آن ضربات بیشترین آسیب را به جای گذاشت در سقط جنینی که حضرت فاطمه (ع) حامله بود، و پیغمبر ﷺ نام او را محسن گذاشته بود. (نوادر الاخبار فیض کاشانی، ص ۱۸۳)

۲ - علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۶۴؛ الخصال، ص ۶۳۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۳ و ج ۱۰۱، ص ۱۲۸ و ج ۴۳، ص ۱۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۸۷؛ الکافی، ج ۶، ص ۱۸.

نکته:

نام‌گذاری نوزاد پس از تولد، والدین را با نوعی شتابزدگی روبرو می‌سازد. علاوه بر این عواملی همچون اعمال سلیقه‌ای اطرافیان نیز ممکن است والدین را مجبور به انتخاب نامی کند که خود چندان با آن نام موافق نیستند.

نام‌گذاری پس از تولد، از نظر روانی، عمدتاً مبتنی بر احساسات، آن هم احساسی متناسب با لطافت نوزاد است و به همین دلیل، ممکن است نامی خوش آوا؛ اما کم محتوا و یا بدون اندیشه انتخاب شود.

در سال‌های اخیر تکیه بر زیبایی لفظ، بدون اندیشه در معنای آن رایج شده است. بسیاری از نام‌ها هستند که والدین تنها به خوش آهنگی آن توجه دارند نه به معنا و یا چهره‌ی تاریخی کسی که با صدا زدن آن اسم در ذهن تداعی می‌شود.

نجات جنینی که احتمال سقط آن است

بین خواص و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و یا حتی عوام آنها مجرب است که: هرگاه خوف سقط جنینی که پسر است باشد، اگر نذر کنند که نام او را محسن نهند به برکت این اسم، آن جنین به سلامت کامل به دنیا می‌آید. ان شاء الله.^۱

بخش دوم: انتخاب بهترین نام‌ها برای فرزندان

یکی از وظایف اولیه والدین در برابر فرزندان خود انتخاب نام نیکو برای آنها است. پیروی از اسوه‌های انسانیّت، در همه‌ی مراحل و شئون زندگی سفارش شده است. چرا که اقتدای به خوبان، زندگی را پر از خیر و خوبی ساخته و غذای روحی و کمالات انسانی را به سرعت در انسان احیاء می‌گرداند. از جمله سفارش شده نام کودکان بر اساس نام ناموران صالح و شایسته انتخاب گردد که این امر علاوه بر آثار مثبت روانی برای کودکان، نوعی احیاء و بزرگداشت نام زنان و مردان صالح روزگار است و به تصدیق روایات، دارای آثار وضعی نیز می‌باشد.

حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در این خصوص دقت و حساسیتی خاص داشت و نام فرزندان خود را از طریق هدایت‌گری‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) انتخاب می‌نمود، نام‌هایی که حتی در معنای لفظی نیز زیبایی و ملاحظت دارند که آن نام‌ها عبارتند از: حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن (علیها السلام).

نام حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان نام با برکت معرفی شده که از خانه و خانواده فقر را از خانه بیرون می‌کند.

«قال الامام الكاظم (علیه السلام) : لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتاً فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ؛ امام کاظم حضرت

موسی بن جعفر (علیه السلام) می‌فرمایند: در خانه‌ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن و حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه باشد، فقر وارد نمی‌شود.^۱

اگر نام برگرفته از چهره‌هایی باشد که در تاریخ به نیکی از آنان یاد می‌شود، صاحب آن در تداعی ذهنی خویش هویتی مطلوب و ارزشمند می‌یابد.

انتخاب نامی شایسته برای فرزند، نشانه‌ی حُسن سلیقه خانواده و دور اندیشی آن‌ها است. و آن قدر اهمیت دارد که خداوند متعال نام‌گذاری برخی از شخصیت‌ها را خودش بر عهده گرفته است و قبل از آنکه پای بر عرصه هستی گذارند نام آنها را انتخاب کرده است. ۵ نفر از کسانی که طبق آیات قرآن قبل از تولد نام آن‌ها به وسیله خداوند نام‌گذاری شده عبارتند از:

- ۱- حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، سوره صف، آیه ۶؛ ۲- حضرت یحیی (علیه السلام)، سوره مریم آیه ۷؛ ۳- حضرت عیسی (علیه السلام)، سوره آل عمران، آیه ۴۵؛ ۴ و ۵- حضرت اسحاق و یعقوب (علیه السلام)، سوره هود آیه ۷۱.

داشتن نام نیکو

داشتن نام نیکو، تأثیر تربیتی بسیاری بر انسان دارد. چون فرد به مرور زمان خود را مصداق واقعی نام خویش می‌یابد. اسلام برای تمام شئون زندگی دستورالعمل دارد. بر همین اساس با معارف خویش ریزترین مسائل زندگی را از مبدأ تا معاد پوشش می‌دهد و بدیهی است که در مجموعه‌ی

کامل دستورالعمل‌های خویش، از آغاز ولادت فرزند، انتخاب نام نیکو را برای وی سفارش می‌کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند:

«إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَكَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحْسِنْ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَكَدِهِ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزند خویش پیش کش می‌کند، نام نیکو است، پس باید هر یک از شما نام فرزندش را نیکو قرار دهد».^۱

۱- الکافی، ج ۶، ص ۱۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۹۶.

اول پس از تولد صدای قلب مادر خویش را تشخیص می‌دهد و هنگامی که در آغوش مادر قرار می‌گیرد، آرامش می‌یابد. از این رو، صدا اولین محرکی است که در طفل اثر می‌گذارد.

خانه‌ای که در آن نوزاد پرورش یابد، ضروری است که عاری از موسیقی‌های حرام و صداها و کلمات ناصواب و زشت باشد.

قرآن کریم برای شنیدن، ارزش ویژه‌ای قائل شده است؛ لذا آوای توحید، نبوت، امامت و زمزمه شتاب به سوی رستگاری و نماز، باید گوش کودک^۱ را نوازش بدهد تا زندگی و حیات را با این واقعیات شروع و با آنها ختم کند. چنانکه مسلمان به دنیا بیاید و مسلمان از دنیا برود.

تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که:

نوزاد به محض تولد می‌تواند با دنیای خارج ارتباط برقرار کند و به

بخش سوم: خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد

یکی از سنت‌های جاری در زندگی حضرت صدیقه‌ی کبری (ع) گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ فرزند بود. از امام رضا (ع) منقول است که حضرت رسول اکرم (ص) در روز ولادت حسنین (ع) در گوششان اذان گفت.^۱

آن حضرت به خوبی می‌دانست که باید کودک را از همان لحظات اول زندگی با کلماتی چون الله، محمد و نماز آشنا کرد که این آشنایی، به یقین در جهت‌گیری تمایلات روحی او به ملکوت اعلی اثر خواهد گذاشت.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

«مَنْ وَلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ، فَلْيُؤَدِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ

لْيَقُمْ فِي الْيُسْرَى، فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ کسی که

برایش فرزندی متولد شود، در گوش راست وی اذان و در گوش

چپ وی اقامه بگوید که همانا این کار باعث در امان ماندن از

شر شیطان رانده شده است».^۲

چگونگی اثر گذاشتن اذان و اقامه در نوزادان

اولین عضو از اندام حسی نوزاد که کار خود را در این جهان شروع می‌کند، گوش اوست. گوش حتی قبل از ولادت می‌شنود و در همان لحظات

۱ - عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۴۶.

۲ - الکافی، ج ۶، ص ۲۴. (ط اسلامیة؛ دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۷).

۱ - در گذشته جهان جنین یعنی رحم مادر را جهانی خاموش و تاریک می‌دانستند. اما امروزه ثابت شده که: رحم نه خاموش است و نه تاریک. در واقع رحم مادر جایی پر سر و صدا است. جنین مرتب صدای یک‌نواخت قلب مادر را می‌شنود و گاه و بی‌گاه صدای روده مادر به هنگام گوارش غذا به گوشش می‌رسد. اگر مادر نوشابه گازداری بنوشد، صدای حباب‌های گاز که در گلو و معده مادر ایجاد می‌شود، در گوش جنین طنین بلندی می‌افکند.

جنین می‌تواند صدای جهان ما، مثل صدای حرف زدن مادر، صدای رادیو، صدای ظرفی که بر زمین می‌افتد و صدای هواپیمایی را که از بالای خانه عبور می‌کند بشنود و اگر صدا بلند و تکان دهنده باشد، ممکنست جنین در مقابل آن واکنش نشان دهد و از جا بپرد. این واکنش او نشانه ترس از آن صدا نیست، بلکه نشان می‌دهد که از صدا متاثر شده است.

آشناترین صدا برای جنین، ضربان قلب مادر است. این صدا چنان با ابتدایی‌ترین خاطرات کودک آمیخته می‌شود که پس از تولد نیز موجب راحتی و آرامش او می‌گردد. (بهداشت مادر و کودک، ترجمه: سوسن اردکانی(شاهین)، ص ۵۵).

محرک‌های آن، از قبیل نور و صدا واکنش نشان دهد. شاید کودک نتواند صحنه‌هایی را که پس از تولد مشاهده می‌کند به یاد بیاورد، اما آنها را در ضمیر ناخودآگاه خود ثبت می‌کند و در بزرگ سالی به صورت رفتارهایی ظاهر می‌سازد که خود نیز علت بروز این رفتارها را نمی‌داند.^۱

حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ؛ قَلْبُ كُودِك، هَمْچُونِ زَمِينِ آمَادِهْ بَرای كِشْتِ وَ زَرَعِ اسْتِ كِهْ هِرْ چِهْ دَرِ آنِ بِيَفْشَانْدِ مِی‌پْذِیْرِد.»^۲

بخش چهارم: عقیقه و سر تراشیدن نوزاد

یکی از آداب پس از تولد و به نوعی از حقوق فرزند، که در اسلام نسبت به آن تأکید بسیار فراوانی شده، عقیقه نمودن برای نوزاد در روز هفتم ولادت است.

«عقیقه» عبارت است از: ذبح حیوان حلال گوشت هنگام ولادت نوزاد برای اطعام.

عقیقه کردن برای فرزند مستحب مؤکد است.

امام صادق (ع) بر عقیقه نمودن بسیار تأکید داشته تا جایی که نسبت به آن لفظ «واجب» را به کار برده اند: «الْعَقِيقَةُ وَاجِبَةٌ»^۱

شاید به خاطر همین روایت است که عده‌ای از علما آن را واجب دانسته‌اند.

همچنین آن بزرگوار در جایی دیگر فرموده‌اند:

«كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيقَةِ؛ سلامتی هر نوزادی در گرو عقیقه است».^۲

امام رضا (ع) فرموده‌اند:

«... الْعَقِيقَةُ عَنِ الْمَوْلُودِ الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى وَاجِبَةٌ...؛ عقیقه از

جانب مولود، خواه پسر باشد خواه دختر لازم است...»^۳

۱ - الکافی، ج ۶، ص ۲۴. (ط اسلامیة)

۲ - همان، ج ۶، ص ۲۴. (ط اسلامیة)؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۲۶.

۳ - بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۹.

۱ - نوزادی، ص ۱۰۲.

۲ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۳؛ تحف العقول، ص ۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۸.

سیره اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) این گونه بوده و برای تولد فرزندان خود عقیقه می نمودند و گوشت آن را به نیازمندان می رساندند. هم چنان که حضرت زهرا (علیها السلام) در تولد فرزندان خود چنین می کردند. امام رضا (علیه السلام) به نقل از پدران خود فرموده اند: «أَنَّ فَاطِمَةَ عَقَّتْ عَنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ - وَ أَعْطَتْ الْقَابِلَةَ رَجُلَ شَاةٍ وَ دِينَاراً؛ حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای فرزندان خود امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) عقیقه کرد و ران گوسفند را به همراه مبلغی (یک اشرفی) برای قابله فرستاد.»^۱

زمان عقیقه

زمان عقیقه کردن روز هفتم ولادت است و اگر در آن تأخیر بیفتد، استحباب آن ساقط نمی شود؛ بلکه اگر پدر و مادر برای فرزند عقیقه نکردند مستحب است شخص پس از بلوغ برای خود عقیقه کند.^۲ در واقع عقیقه کردن، نوعی بیمه کردن جان فرزند از حوادث و بلایا می باشد.^۳

دستور عقیقه

روز هفتم یک شتر ۵ ساله یا یک گاو یا یک گوسفندی که لااقل شش ماهه باشد چه نر و چه ماده، سالم یا معیوب برای فرزند عقیقه کنند و فربه و مماثل باشد بهتر است و یک ران آن را به قابله بدهند و اگر قابله نداشته

۱ - عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۴۶؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۰۹.

۲ - حکمت نامه کودک، ص ۸۶.

۳ - الکافی، ج ۱۱، ص ۳۸۹. (ط دارالحدیث)

باشد به مادرش بدهند تا به هر کس می خواهد بدهد و بقیه را به مؤمنین چه فقیر و چه غنی بخوراند و پدر و مادر مکروه است که بخورند. و بهتر آن است که استخوان عقیقه را نشکنند و از مفصل جدا کنند ولی دفن کردن استخوان لازم نیست و اگر به قیمت گوسفند تصدق بدهند کفایت نمی کند؛ (اگر عقیقه ای یافت نشد، باید صبر کند تا پیدا شود)، زیرا عقیقه از دستورات مؤکده است. و هنگام عقیقه دعاهاى وارده را بخواند.^۱ قربانی کردن در روز عید قربان به جای عقیقه کفایت می کند.

دعای عقیقه

چون خواستی عقیقه (کشتن شتر یا گوسفند یا بز) را ذبح کنی می گویی: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ عَقِيقَةً عَنْ فُلَانٍ (نام او را بگویند) لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً لِّأَلِ مُحَمَّدٍ (علیه السلام).^۲ دعاهاى دیگری هم در وقت عقیقه وارد شده است.^۳

۱ - دستورات زندگی، ص ۱۴.

۲ - حلیه المتقین، ص ۱۲۴.

۳ - بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَ ثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ وَ الْمَعْرِفَةَ بِفَضْلِهِ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ پس اگر پسر باشد بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَهَبْتَ لَنَا ذَكَرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا وَهَبْتَ - وَ مِنْكَ مَا أَعْطَيْتَ وَ كُلُّ مَا صَنَعْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا عَلَى سُنَّتِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ ﷺ وَ اخْشَأْنَا عَنَّا الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ لَكَ سُبُكَتِ الدَّمَاءُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَ دَمُهَا بِدَمِهِ وَ عَظْمُهَا بِعَظْمِهِ وَ شَعْرُهَا بِشَعْرِهَا وَ جِلْدُهَا بِجِلْدِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. (و به جای فلان بن فلان نام طفل و پدرش را بگویند). (حلیه المتقین، ص ۱۲۴)

بخش پنجم: سر تراشیدن نوزاد

یکی از سنت‌هایی که در بدو تولد بهتر است مورد توجه پدر و مادر قرار گیرد، تراشیدن موی سر نوزاد است.

مستحب است که در روز هفتم ولادت، موهای سر نوزاد تراشیده شود و در صورت تمکن مالی، هم وزن آن، طلا یا نقره، صدقه به فقرا و نیازمندان داده شود. در استحباب این عمل، تفاوتی میان نوزاد دختر و پسر نیست. در روایات آمده است که:

حضرت فاطمه (ع) هرگاه صاحب فرزندی می‌شد، برای او گوسفندی عقیقه می‌داد، سپس روز هفتم، سر طفل را می‌تراشید و برابر وزن موهای او نقره صدقه داده، برای قابله و همسایه‌ها هدیه می‌فرستاد و دیگران را در شادی خود سهیم می‌کرد.^۱ وقتی از امام صادق (ع) علت تراشیدن سر نوزاد را پرسیدند: فرمودند: «تطهير من شعر الرحم؛ علت آن، پاک کردن نوزاد از موی درون رحم است».^۲

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی بن جعفر (ع) درباره انجام دادن این عمل پس از روز هفتم پرسید. فرمودند: وقتی از هفت روز گذشت، تراشیدن سر لازم نیست.^۳

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵۷.

۲- من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹، باب ۴۶۱، ح ۱۹.

۳- همان، ج ۳، ص ۴۸۹، باب ۴۶۱، ح ۲۰.

بخش ششم: سوراخ کردن گوش نوزاد

یکی از مستحباتی که برای احکام ولادت در روز هفتم واقع شده است، سوراخ کردن گوش بچه^۱ است.

صاحب کتاب جواهر الکلام می‌فرمایند: نسبت به سوراخ کردن گوش، علمای شیعه با آن مخالف نکرده‌اند؛ بلکه هم اجماع محصل و منقول بر این مطلب داریم، همچنین سیره مستمره هم این کار بوده است و همچنین روایات دال بر این است. و اشکال عامه که می‌گویند: بچه اذیت می‌شود، اجتهاد در مقابل نص است.^۲ از جمله این روایات:

راوی می‌گوید: امام صادق (ع) فرمودند:

سوراخ کردن گوش بچه از سنت است و ختنه کردن او در روز هفتم ولادت هم از سنت است.^۳

رسول خدا (ص) به حضرت فاطمه زهرا (ع) فرموده‌اند:

دو گوش امام حسن و امام حسین (ع) را سوراخ کن بر

۱- بر خلاف عرف امروز، در گذشته گوش پسران نیز سوراخ شده و آنان نیز از گوشواره‌های زینتی استفاده می‌کردند!

۲- شافعیه مخالف سوراخ کردن گوش نوزاد دختر و پسر هستند؛ زیرا موجب آزار و اذیت کودکان می‌شود و ضرورت ندارد به خاطر زینت، کودکان در معرض درد و بیماری احتمالی قرار بگیرند. "www.blesteftfamily.com"

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۳۲، باب ۵۱، ح ۱.

خلاف یهودیان^۱.

و روایات دیگری که به این مضمون است.

در بعضی از روایات آمده است که:

جبرئیل^۲ به پیامبر (ص) عرض کرد که: به حضرت زهرا (ع)

بگو که دو گوش حسنین (ع) را سوراخ کند.^۳

پس سوراخ کردن گوش سنت شد چه پسر باشد و چه دختر.

بخش هفتم: اظهار محبت نسبت به فرزندان

در نزد دانشمندان فن تربیت و روان‌شناسان، این مطلب به اثبات رسیده که:

اطفال در تمام دوران کودکی، به محبت و اظهار علاقه نیازمندند. کودک می‌خواهد پدر و مادر بیش از دیگران، او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. کودک چندان توجهی ندارد که در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ، لباس و خوراکش خیلی اعلا است یا نه. اما بدین موضوع کاملاً توجه دارد که دوستش دارند یا نه. این احساس درونی کودک را چیزی جز اظهار محبت و نوازش ارضا نمی‌کند. سرچشمه‌ی اخلاق و شخصیت آینده‌ی او همین اظهار محبت‌ها است. آغوش گرم مادر و نوازش‌های مخلصانه‌ی پدر است که روح بشر دوستی و علاقه‌ی به هم نوع را در کودک می‌دمد، برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌سازد، نوازش است که، کودک را از ترس و تنهایی و ضعف نجات می‌دهد و به زندگی امیدوار می‌سازد. مهرورزی‌ها و بوسه‌های بی‌شائبه است که روح خوش‌بینی و خوش‌خویی را به او تلقین می‌کند و او را به سوی زندگی اجتماعی، تعاون و همکاری هدایت می‌نماید. از عزلت گوشه‌گیری نجاتش می‌دهد. به واسطه‌ی همین نوازش‌ها است که کودک احساس شخصیت کرده و خودش را لایق دوستی می‌داند.

کودکی که از جهت محبت کمبود داشته باشد، معمولاً ترسو، خجول، ضعیف، بدبین، گوشه‌گیر، بی‌علاقه و پژمرده و حتی مریض بار می‌آید. گاهی هم ممکن است برای اظهار عکس‌العمل و نشان دادن بی‌نیازی،

۱ - من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹، باب ۴۶۱، ح ۲۱. «قال النبی (ص): یا فاطمه! ائقبی اذنی الحسن والحسین خلافاً لليهود».

۲ - جبرئیل به پیامبر (ص) عرض کرد که دستور بدهید هر دو گوش حسنین (ع) را سوراخ کنند، در گوش راست، پایین گوش سوراخ شود و در گوش چپ بالای گوش سوراخ شود و بعد از سوراخ شدن، در گوش راست چیزی به نام قرط قرار دهند و در گوش چپ، شنف قرار دهند.

لسان العرب این گونه معنا می‌کند: الشنف: حلی یلبس فی اعلی الاذن، و الذی یلبس فی اسفلها، القرط؛ شنف چیزی است که در بالای گوش آویزان می‌شود و زیوری که در پایین گوش آویخته می‌شود، قرط نام دارد. پس یکی از مستحبات روز هفتم، سوراخ کردن گوش فرزند است (ع).

۳ - وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۳۲، باب ۵۱، ح ۲.

دست به اعمالی نظیر جنایت، دزدی و قتل نفس بزند تا بدین وسیله از اجتماعی که او را دوست ندارد، انتقام گیرد و تظاهر به بی‌نیازی کند. پس محبت و نوازش کودک یکی از احتیاجات ضروری او به شمار می‌رود و برای پرورش او ضرورت دارد. درس مذکور در خانه‌ی حضرت زهرا (ع) به طور کامل اجرا می‌شد و پیغمبر اکرم (ص) عملاً آن را به حضرت فاطمه زهرا (ع) یاد می‌داد. در روایتی می‌خوانیم:

وقتی امام حسن (ع) به دنیا آمد او را در پارچه‌ی زردی پیچیده خدمت رسول خدا (ص) آوردند. فرمود: مگر به شما نگفتم: نوزاد را در پارچه‌ی زرد نیچید؟ سپس لباس‌های زرد امام حسن (ع) را دور انداخت و او را در پارچه‌ی سفیدی پیچید. در بغل گرفت و شروع به بوسیدن کرد و همین عمل را، نسبت به امام حسین (ع) نیز انجام داد.^۱ در روایتی آمده است:

روزی رسول اکرم (ص) به نماز جماعت مشغول بود. هرگاه به سجده می‌رفت، امام حسین (ع) بر پشت او سوار می‌شد و پاهایش را حرکت می‌داد. وقتی می‌خواست سر از سجده بردارد امام حسین (ع) را می‌گرفت و به آرامی کنار می‌گذاشت. هنگامی که دوباره به سجده می‌رفت، باز امام حسین (ع) بر شانه‌ی آن جناب سوار می‌شد، پیغمبر (ص) او را می‌گرفت و کنار می‌گذاشت. پیغمبر (ص) با همین کیفیت نمازش را به پایان

رسانید. یک نفر یهودی که جریان را مشاهده کرد عرض کرد: شما نسبت به کودکانان طوری رفتار می‌کنید که ما از آن امتناع داریم!

پیغمبر (ص) فرمود: شما هم اگر به خدا و رسول ایمان داشتید نسبت به کودکان مدارا می‌نمودید. یهودی به واسطه‌ی این رفتار پیغمبر (ص) مسلمان شد.^۱

علامه مجلسی (ع) در کتابش می‌نویسد:

روزی رسول خدا (ص) امام حسن (ع) را بوسید و نوازش کرد «اقرع بن حابس» عرض کرد: من ده فرزند دارم، ولی تا حال هیچ‌یک از آنان را نبوسیده‌ام.

پیغمبر اکرم (ص) غضبناک شد و فرمود:

«اگر خدا محبت را از قلب تو گرفته من چه کنم؟ هرکس نسبت به اطفال ترحم نکند و احترام بزرگسالان را نگه ندارد، از ما نیست.»^۲

روزی رسول خدا (ص) از در خانه‌ی فاطمه (ع) عبور کرد، صدای گریه‌ی حسین (ع) را شنید. فاطمه (ع) را صدا زد و فرمود: مگر نمی‌دانی گریه‌ی حسین (ع) مرا اذیت می‌کند.^۳

در همان کتاب آمده است:

«ابوهریره» می‌گوید:

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۲.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۲۹۵.

باعث لوس شدن نوزاد شود. **این طرز تفکر غلط** و این ترس موهوم، تاریخچه و سابقه طولانی دارد.

در بین سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۶۶ میلادی در کشورهای غربی روش تربیتی غلطی بین مادران رواج یافت که برخی از کشورهای دیگر نیز کورکورانه آن روش‌ها را اجرا کردند، در این روش جدایی بین والدین و نوزاد تشویق می‌شد.

در وهله‌ی اول، زایمان مادر به جای این‌که یک فرآیند عادی فیزیولوژیک به حساب آید، یک عمل جراحی تلقی شد. نوزاد را بلافاصله پس از تولد از مادر جدا کردند و در اتاق نوزادان به دست کارشناسان یا پرستاران مخصوص سپردند.

اقدام بعدی در جدا کردن نوزاد از مادر، کوشش تولید کنندگان شیر خشک برای فروش محصولات خویش و تشویق مادران به استفاده از فرمول‌هایی غذایی، برای جایگزین کردن شیر مادر بود. این تبلیغات مادران را متقاعد می‌کرد که ارزش غذایی شیر خشک و غذای کودک، مشابه شیر مادر است و تغذیه‌ی نوزاد با شیر خشک برای مادر راحت‌تر است.

اقدام دیگر در تضعیف پیوند عاطفی بین مادر و نوزاد، جدا کردن اتاق نوزاد از اتاق مادر، به توصیه‌ی مشاوران تربیتی بود. بالاخره در دو دهه ۱۹۲۶ و ۱۹۶۶ میلادی طرز فکر دیگری به وجود آمد که والدین را تشویق می‌کرد نسبت به گریه‌ی نوزاد بی‌اعتنا باشند و به آن توجه نکنند. این عقاید بی‌اساس و تأسف باور، به اضافه‌ی ملاحظات مالی و انگیزه‌های اقتصادی برای اشتغال خانم‌ها و شرکت آنان در فعالیت‌های اجتماعی، زمینه‌ی

روزی پیغمبر (ص) امام حسن و امام حسین (ع) را بر دوش مبارک سوار نموده بود. در بین راه گاهی امام حسن (ع) و گاهی امام حسین (ع) را می‌بوسید. مردی عرض کرد: یا رسول‌الله این دو کودک را دوست داری؟

فرمود: آری. هرکس امام حسن و امام حسین (ع) را دوست بدارد با من دوستی نموده و هرکس با آنان دشمنی کند با من دشمنی کرده است.^۱

پیغمبر (ص) گاهی به حضرت فاطمه (ع) می‌فرمود: «حسن و حسین (ع) را بیاور. وقتی آنان را خدمت آن حضرت می‌برد، آنها را به سینه می‌چسبانید و مانند گل می‌بوید.»^۲ ابوهریره می‌گوید:

«پیغمبر (ص) را دیدم که دهان امام حسن و امام حسین (ع) را می‌مکید چنان که خرما را می‌مکند.»^۳

ترس از لوس شدن نوزاد

بعضی از والدین از بغل کردن نوزاد، تغذیه به موقع و رسیدگی به او هنگام گریه کردن، خودداری می‌کنند و می‌ترسند که رسیدگی و توجه زیاد

۱- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۱.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۹۹.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۴.

ثانیاً: رسیدگی به نوزاد، خواسته‌های او را تأمین می‌کند و نوزاد به واسطه‌ی محبتی که می‌بیند به محیط زندگی و اطرافیان خود اعتماد پیدا می‌کند. این نوع اعتماد به نفس به او استقلال بیشتری می‌بخشد و در نتیجه راحت‌تر از والدین جدا می‌شود. در واقع می‌توان نتیجه گرفت که خلاف آن‌چه تصور می‌شد، نوزادانی که جدا از والدین پرورش یافته‌اند، وابسته‌تر و لوس‌تر بار می‌آیند.

گوش دادن به توصیه‌های غلط، عواطف مادری را از بین می‌برد و در پیوند عاطفی مادر و نوزاد اختلال به وجود می‌آورد. پرورش نوزاد از روی دل‌بستگی و برقراری پیوند و رسیدگی به نیازهای او، رابطه‌ی متعادلی بین والدین و نوزاد به وجود می‌آورد که حاصل آن کودکی با نشاط با رفتاری سالم و متعادل است.^۱

اسلام نیز سفارش به محبت کردن به فرزندان برای جلوگیری از پیامدهای سوء محبت افراطی توصیه‌های ارزش‌مندی کرده است:

چنانچه امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند:

«شر الآباء من دعاه البر الی الافراط؛ بدترین پدران کسانی

هستند که، مهرورزی و دوستی نسبت به بچه‌هایشان، آنها را به

افراطی بکشاند»^۲

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در روایتی می‌فرمایند:

جدایی بیشتر بین نوزاد و مادر فراهم می‌ساخت و مادران را وادار می‌کرد تا بر خلاف میل ذاتی و عواطف مادری، به نوزاد و گریه‌ی او اعتنا نکنند. در نتیجه پس از مدتی، اعتماد به نفس خود را در پرورش نوزاد از دست بدهند و نوزاد خود را به پرستار یا مهدکودک بسپارند.

عقاید و توصیه‌های کارشناسان پرورشی در این دوره، از واقعیت دور بود و نتایج نادرستی به وجود آورد. در اثر این تبلیغات، نظریه‌ی لوس شدن و وابستگی نوزاد به والدین، که آن را نتیجه‌ی رسیدگی والدین به نیازهای نوزاد می‌دانستند، مورد قبول مردم قرار گرفت. ولی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به غلط بودن این نظریه پی‌بردند.

متخصصان روان‌شناسی کودک، با مقایسه‌ی نوزادانی که با دو روش پرورشی، در کنار والدین یا جدا از آنها، پرورش یافته بودند به حقیقت تازه‌ای دست یافتند. این بررسی‌ها نشان داد، نوزادانی که از هنگام تولد نزد مادر به سر می‌برند، در کنار مادر می‌خوابند، از شیر مادر تغذیه می‌کنند و به گریه‌شان توجه می‌شود، در سال دوم استقلال بیشتری به دست می‌آورند و بالاخره نتیجه‌ی این مطالعات حاکی از آن بود که دلبستگی والدین به نوزاد و رسیدگی به نیازهای او، باعث لوس شدن کودک نمی‌شود، بلکه از نوزاد، کودکی با نشاط می‌سازد.

ابراز محبت و رسیدگی به نوزاد، به دو علت باعث لوس شدن او نمی‌شود:

اولاً: ارتباط نزدیک با نوزاد، باعث می‌شود که، والدین با خفایات و نیازهای او آشنا شوند و در موقع مناسب به آنها جواب دهند.

۱ - نوزادی، ص ۲۴۷-۲۴۹ به نقل از: آمادگی برای زایمان و مراقبت از نوزاد، ویلیام سیرز، ص ۸۷-۸۹.

۲ - تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

«لَا تَحْمِلَنَّكَ الشَّقَّةُ عَلَى أَهْلِكَ وَوَلَدِكَ عَلَى الدُّخُولِ
فِي الْمَعَاصِي وَالْحَرَامِ؛ به همسر و بچه‌هایتان این قدر
مهرورزی نکنید که وارد حوزه حرام و گناه شوند یا زمینه‌های
گناه و آلودگی برای آنان فراهم شود.»^۱

بخش هشتم: برخوردار نمودن فرزندان از عواطف پاک مادری و مهربانی با فرزندان

حانیّه:

یکی از القاب حضرت زهرا (ع) «حانیّه» می‌باشد؛ حانیّه زنی را گویند
که، بسیار دلسوز، مهربان و با شفقت نسبت به همسر و فرزندان باشد.
یکی از سیره‌های عملی حضرت در روش تربیت فرزندان عزیز خود،
مهربانی نمودن با آنها بوده که فرزند از عواطف پاک مادری برخوردار شود.
روزی بلال دیر به مسجد آمد، پیامبر (ص) سؤال فرمود: چرا
دیر آمدی؟

عرض کرد: از کنار خانه حضرت فاطمه (ع) می‌گذشتم، در
حالی که با دست خود آسیاب می‌کرد و کودکش امام حسن (ع)
گریه می‌نمود، به او عرض کردم: اگر اجازه می‌فرمایید: من
آسیاب می‌کنم و شما کودک را آرام کنید، یا من کودک را آرام
کنم و شما آسیاب کنید؟

فرمود: من نسبت به فرزند مهربان‌تر از تو هستم، من برای
آن حضرت آسیاب کردم.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: تو به حضرت فاطمه (ع) مهربانی
کردی، خداوند تو را مشمول رحمتش فرماید.^۱

برخورداری از محبت مادر

بهره‌مندی از دامن پر مهر مادر، آغوش گرم و طنین و دل‌نواز ضربان قلب مادر، از بزرگ‌ترین مواهب الهی است که آدمی در دوران نوازدی به آن نیاز دارد. هیچ عاملی برای پرورش جسمی و عاطفی کودک، بهتر و مؤثرتر از بهره‌مندی وجود «مادر» نیست.

امام صادق (ع) درباره‌ی سرپرستی کودکی که مادر و پدر وی از هم جدا شده‌اند، می‌فرمایند:

«الْمَرْأَةُ مَا لَمْ تَتَزَوَّجْ؛ مادامی که زن، ازدواج [مجدد] نکرده

است، به سرپرستی طفل [خویش] سزاوارتر است.»^۱

پیغمبر اکرم (ص) در مورد پدرانی که به علت مخالفت خویش با همسران خود یا جدایی از آن‌ها فرزندان خود را از دیدن مادر خویش محروم می‌سازند می‌فرمایند:

«من فرق بین والدۀ ولدها فرق الله بینه و بین احيائه فی

الجنة؛ هر کس بین مادر و فرزندش جدایی بیندازد، خداوند

متعال در روز قیامت، بین او و دوستانش جدایی می‌اندازد.»^۲

نه تنها کودکان بی مادر، آینده‌ای خطرناک و زندگی سرد و بی‌روحی دارند، بلکه خطراتی قطعی، زنان و مادران دور از فرزند را نیز تهدید می‌کند. همان‌گونه که کودکان به مادران حقیقی خویش نیازمندند، مادران نیز به کودکان خود نیاز دارند و سلامت روانی آنها در گرو قرار گرفتن در کنار

فرزندان خویش است.

استعدادهای زنان هنگامی به اوج کمال می‌رود و آنان را از لذت زندگی بهره‌مند می‌سازد که بر مسند مادری بنشینند و فرزند یا فرزندان، آنان را مادر صدا کنند.

خطر بزرگی که بسیاری از شهر نشینان را تهدید می‌کند، کار کردن مادران در بیرون از خانه است. حال آن‌که متفکران جهان امروز - جز در موارد ضروری و استثنایی - جدایی نوزاد از مادر را تجویز نمی‌کنند.

اشتباه بزرگ اجتماع امروزی در این است که: از سنین

پایین، مهدکودک و کودکستان را جایگزین کانون خانواده و دامن مادر کرده است. مادران بایستی با فراغ خاطر به حفظ کانون خانوادگی بیندیشند و نوزادان را که آینده‌سازان هر کشوری هستند، در دامن پرمهر خود بزرگ کنند.

بنابراین، اولین وظیفه مادر مراقبت از کودکان خویش است و زنانی که از وظیفه اصلی خود و طبیعی خود باز بمانند و بخواهند مردانه زندگی کنند، ضمن اینکه هرگز نمی‌توانند در جایگاه مردان بنشینند، احساس زنانگی خود را نیز از دست می‌دهند و در نهایت به جنس سومی بدل می‌شوند که نه زن است و نه مرد.^۱

۱ - من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۵؛ روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمه)، ج ۸، ص ۳۴۳.

۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۷۵.

بخش نهم: استفاده از جاذبه‌ی شعر در تربیت کودکان

شکی نیست که لالائی‌های دوره کودکی جاذبه‌ی خاصی همراه با حلاوت فراموش‌نشده‌ی در ذهن انسان داشته و در تقویت و تثبیت ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و حتی ارائه الگو و اسوه شخصیتی می‌تواند، نقش خطیر ایفا نماید، بنابراین حضرت زهرا (ع) این عنصر تربیتی را با استفاده از ذوق شعری خویش به بهترین وجه به کار می‌گرفت و اشعار سرشار از مضامین بلند را در ساعات بازی بچه‌ها می‌خواند که آنها را سرگرم کرده و مفاهیم والای ارزشی را به فرزندانش تلقین می‌کرد. حضرت زهرا (ع) آن گاه که با کودکان خود بازی می‌نمود، و به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت، در قالب زیبایی، اشعار ادیبانه می‌فرمود.

به عنوان نمونه خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرمود:

أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ
وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنِّ وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ

یعنی ای حسن جان! همچون پدرت، حضرت علی (ع)

باش و ریسمان را از اطراف حق بردار.

خداوند صاحب نعمت‌ها را پرستش کن و با افراد دشمن و

کینه‌توز دوستی مکن.

چهار خواسته حضرت زهرا (ع) از امام حسن (ع) و چهار پیام این اشعار

(۱) - مانند پدرت حضرت علی (ع) باش. این توصیه علاوه بر این‌که سفارش به انتخاب و اتخاذ الگو و اسوه در زندگی دارد و به نوعی الگوی شخصیتی کاملی را به کودک معرفی کند و اجمالاً امام حسن (ع) را توصیه و سفارش به داشتن صفات برجسته علوی همچون شجاعت، عدالت، حکومت و ... می‌کند.

(۲) - سفارش و دستور به دفاع از حق و حقیقت و بندگشودن از دست و پای حق.

(۳) - توصیه به عبادت و پرستش خدا، آن هم عبادت و پرستش خدای صاحب نعمت‌ها.

(۴) - دستور به دوری از دوستی و همراهی با افراد شرور و بددل و کینه‌توز.

مجموعاً در این دو بیت سه دستور و یک پرهیز اخلاقی مفید، جامع و اساسی وجود دارد.^۱

درس‌هایی از این حرکت تربیتی حضرت زهرا علیها السلام

- ۱- مادر باید با کودک خود مأنوس باشد و با آنان بازی کند.
 - ۲- در حین بازی، یکی از بهترین شرائط برای یادگیری کودک است.
 - ۳- مادر باید در هنگام بازی با کودک، به او مطالب اخلاقی را تعلیم دهد.
 - ۴- یکی از بهترین راهها برای آموزش کودکان، استفاده از شعر است.
 - ۵- استفاده از شعر برای کودکان جالب و برای فهم و درک مطالب او مفیدتر است.
 - ۶- مریبان و مادران باید به محتوای اشعار کودکان توجه جدی داشته باشند.
 - ۷- در اشعار و ادبیات کودکان، باید آنان را دعوت به نیکی‌های اخلاقی و پیام‌های عالی اخلاقی کنیم.
 - ۸- در شعر کودکان باید به او الگو معرفی شود . (إِشْبَهُ أَبَاكَ).
 - ۹- در تعلیمات کودکان باید آنان را با دستورات اخلاقی آشنا نمود.
- حضرت زهرا علیها السلام سه دستور اخلاقی داشتند.
- ۱۰- در ضمن سفارشات اخلاقی مثبت باید کودک را از همنشینی‌های سوء نیز پرهیز داد. چون حضرت زهرا علیها السلام یک پرهیز اخلاقی هم در شعرها داشتند.
 - ۱۱- ما نایستی کودکان را کم‌ظرفیت و غیر مستعد، برای تعلیم مطالب جدی و اساسی بدانیم، چنان‌که دیدیم حضرت زهرا علیها السلام مطالبی اساسی را به فرزندان خود تعلیم می‌دهد.

- ۱۲- مادران باید از همان کودکی به تلقینات مثبت اخلاقی به کودک و آموزش آن‌ها توجه کنند، چنان‌که فاطمه‌ی زهرا علیها السلام از همان کودکی حق‌طلبی، عبادت و... را به کودکان خود آموزش می‌دادند.
 - ۱۳- برای تربیت کودکان باید از سبک‌های هنری و ذوقی استفاده کرد.
- چنان‌که حضرت زهرا علیها السلام از شعر برای بازی با فرزند خود بهره‌گیری می‌نماید.

بخش دهم: رعایت عدالت و عدم تبعیض بین فرزندان

پدر یا مادر نباید در میان فرزندان، بدون جهت فرق بگذارند و از این طریق حسادت و کینه‌توزی را در میان آنان ایجاد نمایند.

رسول خدا (ص) می‌فرماید:

«اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ

وَاللُّطْفِ؛ در میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان -

گونه که دوست دارید دیگران در مورد شما به عدالت و محبت

رفتار کنند.»^۱

حضرت فاطمه (ع) در پرورش فرزندان عزیز خود طوری رفتار می‌کرد که همه را از عدالت پروری خویش خشنود می‌ساخت و با عواطف محبت‌آمیز مادری تک‌تک آنان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق می‌کرد.

پیامبر اکرم (ص) با حسنین (ع) به منزل حضرت فاطمه زهرا (ع) آمدند و او چند دانه خرما برایشان ذخیره کرده بود، نزد آنها آورد، خوردند و شاد شدند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: اکنون برخیزید و کشتی بگیرید!

آنها برخاستند کشتی گرفتند و فاطمه زهرا (ع) برای کار بیرون رفت. وقتی وارد شد، شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن (ع) را به پیروزی بر امام حسین (ع) ترغیب می‌کند،

حضرت زهرا (ع) بر اساس روح دادگری عرض کرد: پدرجان!

فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک تحریک می‌کنی؟

رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: تو اطلاع نداری که

برادرم جبرئیل حسنینم (ع) را بر حسنینم (ع) تحریک می‌نماید.^۱

اگر چه رسول خدا (ص) در برابر تحریک جبرئیل (ع) (امام حسین (ع) را

علیه امام حسن (ع) تحریک می‌کرد) امام حسن (ع) را علیه امام حسین

(ع) ولی در ظاهر، حضرت فاطمه (ع) را تحریک می‌کرد. از آن اطلاع

نداشت و لذا به صورت سؤالی خواسته‌اش را مطرح ساخت و روح دادگریش

را در مورد فرزندانش نشان داد.

داستانی دیگر

روزی امام حسن (ع) با امام حسین (ع) در کنار یکدیگر

مشغول نوشتن خط بودند و هر یک بر دیگری می‌گفت: خط من

بهتر از خط تو است و سرانجام نزد مادرشان حضرت زهرا

(ع) رفتند و درخواست داوری کردند، ولی آن حضرت برای اینکه

دل هیچ کدام را نشکند، از داوری خودداری کرد و فرمود: بروید

از پدران حضرت امیرالمؤمنین (ع) داوری بخواهید. حسنین

(ع) رفتند و خط هایشان را نشان دادند و داوری خواستند.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) دوست نداشتند که یکی از آنها رنجیده

خاطر شود، لذا فرمود: بروید از جدتان رسول خدا (ص) بپرسید.

رسول خدا (ص) هم فرمود: من در میان شما قضاوت نمی‌کنم تا

اسرافیل (علیه السلام) قضاوت نماید.

اسرافیل هم گفت: از خدا می‌خواهم.

وقتی که خواستند، خداوند متعال داوری بین آن دو برادر را به مادرشان حضرت زهرا (علیها السلام) ارجاع داد.

آن مادر مهربان و دادگر فرمود: ای فرزندان عزیزم! من دانه‌های این گردنبند را در میان شما به زمین می‌ریزم، هرکس بیشتر آنها را بردارد خط او بهتر است. بلافاصله گردنبند را از گردنش باز کرد و دانه‌های آن را در برابر دو نور دیده‌اش به زمین ریخت. چون آن نور چشمان زهرا (علیها السلام)، هر کدام به طور مساوی دانه‌ها را برداشتند، جبرئیل کنار قائمه عرش خدا بود، مأمور شد به زمین بیاید و دانه جواهر گردن بند را نصف کند. جبرئیل به امر خدا آن یک دانه باقیمانده را دو قسمت کرد و هر کدام یک نصفه را برداشت و دل هیچکدام شکسته نشد.^۱

این دو قضیه که نمونه‌ای از صدها جریان دادگری حضرت فاطمه (علیها السلام) با فرزندان می‌باشد، می‌رساند که حضرت طوری عمل کرد، که نور دیدگانش ضمن کمال‌یابی و کمال‌جویی، نسبت به همدیگر بسیار مهربان و دلسوز باشند، و در برخورد و رفتار خانوادگی احترام یکدیگر را حفظ کنند.

به همین جهت بود که امام حسین (علیه السلام) احترام خاصی به امام حسن (علیه السلام) می‌گذاشت و در حضور او صحبت نمی‌کرد. «مَا تَكَلَّمَ الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ إِعْظَامًا لَهُ...»^۲

و به خواهرش زینب (علیها السلام) فوق‌العاده علاقه‌مند بود و به احترام او- با اینکه کوچک‌تر از او بود- از جایش بلند می‌شد. و همچنین محبت و احترام متقابل زینب به برادرانش....

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۹؛ و ج ۴۵، ص ۱۹۰، ح ۳۶؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۶۵۴.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۴۰۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.

«محرورم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند.»

گویا حضرت فاطمه (علیها السلام) می‌خواهد از کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی، جان و زبان‌شان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند، محبوب راستین را به آنان نشان دهد تا در جوانی جذب جلوه‌های دروغین نشوند. این روش تربیتی حضرت فاطمه (علیها السلام) به عنوان یک سنت بسیار پسندیده و قابل اجرا در گفتار امامان معصوم (علیهم السلام) نیز به چشم می‌خورد.^۱

بسیار می‌شد که با مناجات‌ها و گریه‌های شبانه‌ی مادر، بچه‌ها از خواب بیدار می‌شدند. امام حسن (علیه السلام) می‌فرمایند:

در یک شب جمعه دیدم مادرم در محراب عبادت ایستاده و تا طلوع صبح در رکوع و سجده بود و همه را دعا می‌کرد. گفتم: مادر! چرا برای خود چیزی نخواستی؟
فرمود: پسر جانم! اول همسایه، بعد خودت.^۲

حضرت زهرا (علیها السلام) در هنگام غروب نمی‌گذاشت بچه‌ها بخوابند و اگر در خواب بودند، آنها را بیدار می‌کرد که آن وقت، وقت استجابت دعاست.^۳ و

۱- فرهنگ فاطمیه (علیها السلام) ص ۱۶۷.

۲ - بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۱ و ۸۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۵ و ۲۰۵.

۳ - از دیگر وقت‌های استجابت دعا عبارتند از: شب و روز جمعه، روز چهارشنبه بین ظهر و عصر، وقت نماز عشاء، یک ششم از اول نیمه شب، یک سوم آخر شب، شب قدر، شب‌های احیاء (شب اول ماه رجب، شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عید قربان)، روز عرفه، هنگام وزش باد، هنگام اذان ظهر، هنگام ریزش اولین قطره از خون شهید، از طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب. (آیین بندگی و نیایش، ترجمه عدّه‌الداعی، ص ۶۹ - ۸۲).

بخش یازدهم: تشویق فرزندان به مسائل دینی و عبادی

یکی از محورهای اساسی که حضرت زهرا (علیها السلام) بدان توجّه و تأکید داشتند، بُعد پرستش و گرایش فرزندان به انجام تکلیف عبادی و الهی بود. آن حضرت شوق بندگی و خضوع در برابر معبود را از همان دوران کودکی در جان فرزندان خود تقویت نموده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند دانسته و از آن بالاترین لذت‌ها را می‌بردند. دخت گرامی رسول خدا (ﷺ) بر این مطلب تأکید داشت که بچه‌ها را از کودکی به انجام تکالیف فراخواند و آنان را به خدا پیوند دهد و بذر محبت و ارتباط با معبود را در کام آنان بیفشاند تا انجام تکلیف برای آنان نه تنها رنج و مشقّتی نداشته باشد، بلکه با شوق و اشتیاق به استقبال آن بروند.

بر این اساس حضرت فاطمه (علیها السلام) فرزندان خود را حتی به شب زنده‌داری عادت می‌داد. البته او شیوه تربیت را به خوبی می‌دانست و به گونه‌ای برخورد می‌کرد که در حدّ توان و استعداد فرزندان باشد. حضرت، در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان کودکان خود را به بیداری و نخوابیدن وادار می‌کند. ممکن است کسی تعجب کند که او چگونه بچه‌ها را به این کار که حتّی برای اشخاص بزرگ هم زحمت دارد، فرا می‌خواند. حضرت در روز، بچه‌ها را می‌خوابانید تا کاملاً استراحت کنند و غذای کمتری به آنان می‌داد تا بدین‌گونه زمینه و موقعیت بهتر و مطلوب‌تری از نظر جسمی و روحی برای شب زنده‌داری داشته باشند. او به حدّی در این کار جدّی و قاطع بود که نمی‌گذاشت احدی از اهل خانه خوابش ببرد و می‌فرمود:

همچنین در شب‌های قدر آنها را با غذای سبک دادن بیدار نگاه می‌داشت.^۱
حضرت زهرا (ع) به سفارش پدرش بچه‌ها را دسته‌ی گل می‌دانست و آنها را برای یاد گرفتن قرآن و دعا به نزد او می‌فرستاد.^۲
حضرت زهرا (ع) نسبت به عبادت فرزندان عنایت داشت، کما این که دستور می‌دهد:

فرزندان را قبل از آنکه به سن تکلیف برسند به نماز و عبادت عادت دهید.^۳

ثواب آموختن قرآن به اطفال

رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

هیچ کس نیست که به فرزندش قرآن بیاموزد، مگر آنکه روز قیامت، بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی گذاشته می‌شود و دو لباس به آن‌ها پوشانده می‌شود که مردم، همانند آن را ندیده‌اند.^۴

دوستی پیامبر (ص) و خاندانش (ع)

رسول خدا (ص) فرموده‌اند:

فرزندانتان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی

پیامبرتان (ص)، دوستی اهل بیت او (ع)، و خواندن قرآن.^۱

یاد دادن نماز به کودکان

حضرت علی (ع) فرموده‌اند:

به کودکان خود، نماز یاد دهید و آن گاه که بالغ شدند، از آنان باز خواست کنید.^۲

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند:

به کودکان خود، نماز یاد دهید و آن گاه که به هشت سالگی رسیدند، از آنان بازخواست کنید.^۳

معارف دینی

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند:

به کودکانتان چیزهایی را یاد بدهید که به خاطرش خداوند به آنان بهره برساند و نباید مرجئه^۴ با افکارشان بر آنان چیره

۱ - حکمت نامه کودک، ص ۹۵، ح ۲۴۰.

۲ - همان، ص ۹۷، ح ۲۴۸.

۳ - الخصال، ص ۶۲۶، ح ۱۰.

۴ - مرجئه: نام فرقه‌ای از فرق اسلام است که در پایان نیمه ی اول قرن اول هجری پدید آمد. مرجئی از إرجاء، و به معنای «تأخیرافکننده» است، و چون مرجئه مرتکب گناهان کبیره را مخلد در دوزخ نمی‌دانستند بلکه کار او را به خدا وا می‌گذاشتند آنان را مرجئه خواندند. آنها می‌گویند که ایمان را گفته‌ی بدون عمل می‌دانند و قول را مقدم بر عمل می‌شمارند و معتقدند کسی که اعمال دینی را ترک کند، ایمانش او را نجات می‌بخشد و می‌گویند که با ایمان، معصیت زیان نمی‌رساند، چنان که کفر با

۱ - دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲ - مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۲۳۶؛ و ج ۵، ص ۲۳۰.

۳ - هفتاد و پنج درس از سیره عملی حضرت فاطمه زهرا (ع)، ص ۴۴.

۴ - حکمت نامه کودک، ص ۱۰۰، ح ۲۶۱.

شوند.^۱

عمل را انجام داد.^۱

امام صادق (ع) می‌فرماید:

آموزش ایمان و تقوی به فرزندان

بین دانشمندان بحث و گفتگو است که برنامه‌ی تعلیمات و تربیت‌های دینی از چه موقعی باید درباره‌ی کودک اجرا گردد، گروهی معتقدند که کودک تا به حد بلوغ و رشد نرسد استعداد درک افکار و عقائد دینی را ندارد و نباید تحت تربیت دینی قرار گیرد.

گروه دیگری عقیده دارند که: اطفال نیز لیاقت و استعداد آن را دارند که تحت تربیت دینی قرار گیرند، و مربیان می‌توانند موضوعات و مطالب دینی را ساده و قابل فهم نمایند و به کودکان تلقین کنند، و آنان را وادار کنند که اعمال و برنامه‌های آسان دین را انجام دهند تا گوششان با مطالب دینی آشنا شود و با اعمال و افکار دینی نشو و نما کنند.

اسلام نظریه‌ی دوّم را می‌پذیرد، و دستور می‌دهد که کودکان را از سن هفت سالگی به نماز وادار کنید.^۲

پیغمبر اکرم (ص) تلقینات دینی را از همان اوائل کودکی و شیرخوارگی در خانه‌ی زهرا (ع) به مرحله اجرا در آورد.

هنگامی که امام حسن (ع) به دنیا آمد و او را خدمت رسول

اکرم (ص) بردند، وی را بوسید و در گوش راستش اذان و در

گوش چپش اقامه گفت و درباره‌ی امام حسین (ع) نیز همین

طاعت. ابوحنیفه نعمان بن ثابت امام مذهب حنفیان را از مرجئه دانسته‌اند. (ترجمه محاضرات فی الهیات، ص ۵۹۹ و ۶۰۰).

۱ - تحف العقول، ص ۱۰۴.

۱- دانستنی های فاطمی، ج ۱، ص ۲۷۷؛ به نقل از: شافی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲- دانستنی های فاطمی، ج ۱، ص ۲۷۶؛ به نقل از: شافی، ج ۲، ص ۱۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۰۷.

موجب کندی زبان من شده است»، در همین هنگام حضرت علی (ع) از مخفی‌گاه بیرون آمد و پسرش را بوسید.^۱

بخش دوازدهم: مأنوس نمودن فرزندان به مسجد

و دقت در گفتار پیامبر (ص)

درس‌هایی از این شیوه تربیتی حضرت زهرا (ع) در تربیت کودکان

۱- از همان سنین کودکی فرزندان حضرت زهرا (ع) مأنوس با مسجد تربیت می‌شدند.^۲

یکی از آموزه‌های در سیره عملی و مکتب فاطمی (ع) برای تربیت فرزندان، مأنوس کردن آنان با مسجد می‌باشد. روزی حضرت زهرا (ع) به فرزندش امام حسن (ع) که هفت ساله بود فرمود:

«به مسجد برو، آنچه را از پیامبر (ص) شنیدی فراگیر و نزد من بیا و برای من بازگو کن». امام حسن (ع) همین کار را کرد و بعد به خانه بازگشت و با سخنرانی شیرین خود بیانات پیامبر (ص) را برای حضرت زهرا (ع) بیان نمود.

هر وقت حضرت امیرالمؤمنین (ع) وارد خانه می‌شد حضرت زهرا (ع) را حافظ آیاتی از قرآن که تازه نازل شده بود می‌یافت، می‌پرسید: این آیات و علوم تازه را از کجا دریافت کردی؟

حضرت زهرا (ع) می‌فرمودند: «از پسر امام حسن (ع)».

روزی حضرت علی (ع) در خانه مخفی شد، امام حسن (ع) وارد گردید و آنچه را از پیامبر (ص) در مسجد شنیده بود در ضمن سخنرانی برای مادر تعریف کرد، ولی این بار در سخنرانی خود گیر می‌کرد، حضرت فاطمه (ع) تعجب کرد، امام حسن (ع) گفت: «مادرم، شخص بزرگی سخن مرا می‌شنود، و همین

۱- همان، ج ۴۳، ص ۲۳۸.

۲- در مسجد است که حضرت زینب (ع) در سن ۵ سالگی خطبه‌ی مادرش در باز پس گرفتن فدک از ابوبکر را به یاد دارد. شگفت آنکه در آن زمان که حضرت فاطمه زهرا (ع)، خطبه فدک را انشاء می‌فرمودند، حضرت زینب (ع)، در سنین کودکی بودند، و با کمی سن آن خطبه‌ی شریفه‌ی طولانی را ضبط کرده‌اند. و از راویان خطبه فدک می‌باشد. (سحاب رحمت، ص ۸۲۱)

علامه مجلسی (ع) گوید: این خطبه، از خطبه‌های مشهوری است که شیعه و سنی با سندهایی متعدد آن را نقل کرده‌اند و من از آن جهت تمام اسناد آن را در اینجا آوردم که دلیلی بر تعدد اسناد و راویان آن باشد.

شیخ صدوق (ع) بخشی از آن را که به علل شرایع مربوط می‌شده، در کتاب «علل الشرایع» خود از این متوکل از سعدآبادی، از برقی، از اسماعیل بن مهران، از احمد بن محمد بن جابر، از حضرت زینب (ع) دختر حضرت علی (ع) آورده است. (فاطمه الزهرا (ع) شادمانی دل پیامبر (ص)، ص ۵۱۰)

ابوالفرج اصفهانی در «مقاتل الطالبین» می‌گوید: زینب عقیله دختر علی بن ابی‌طالب (ع) و مادرش فاطمه (ع) دختر سول خدا (ص) بود. این همان بانوی خردمندی است که ابن عباس سخنان مادرش حضرت فاطمه (ع) را در مورد فدک از او بدین عبارت نقل کرده است: حدیث کرد عقیله‌ی ما، زینب (ع) دختر علی (ع). (فاطمه الزهرا (ع) شادمانی دل پیامبر (ص)، ص ۸۵۹).

- (۲) - به خاطر این عمل مادر، امام حسن مجتبی (ع) تشویق می‌شوند همه مواعظ و کلمات پیامبر (ص) را به ذهن بسپارند.
- (۳) - حضرت زهرا (ع) به ما یاد دادند که با کودکان خود گفتگوهای علمی داشته باشیم.
- (۴) - از کودک می‌شود استفاده علمی برد.
- (۵) - کودکان را باید تشویق به نطق علمی نمود. (استنطاق علمی).
- (۶) - گفتگوی کودکان شیرین و شنیدنی است؛ لذا حضرت علی (ع) هم خواستند کلام امام حسن (ع) را بشنوند.
- (۷) - مادر ملاحظه روحیات امام حسن (ع) را نمود و از حضرت علی (ع) خواستند برای شنیدن صدای امام حسن (ع) پنهان شوند.
- (۸) - این عمل حضرت زهرا (ع) تمرین برای تقویت بیان و تسلط برای سخن حق و علمی گفتن است.
- (۹) - این عمل حضرت زهرا (ع) یعنی بخشی از زندگی را تبدیل به مدرسه نمودن و معلم و شاگرد شدن اعضاء خانواده.
- (۱۰) - این عمل حضرت (ع)، یعنی ایجاد امکانات و زمینه سازی برای ابراز وجود فرزندان در خانه نمودن.
- (۱۱) - از این روایت معلوم می‌شود فرزندان با مادران راحت‌تر هستند؛ لذا

حضرت زینب (ع) همانند مادرش در نهایت فصاحت و بلاغت می‌باشد. خطبه‌هایی را در کوفه، مجلس ابن زیاد و مجلس یزید ملعون بیان نموده بر کسی پوشیده نیست و همگان به آن اعتراف دارند، که آن بانو از پدرش حضرت علی مرتضی (ع) و از مادرش حضرت زهرا (ع) آن را به ارث برده بود و از تربیت شده در دامن این دو معصوم بزرگوار، بانویی جز او انتظار نمی‌رفت که در کلماتش انوار خطبه‌ی علوی و اسرار کلام فاطمی مشاهده شود.

- مادران باید بیشتر به جنبه‌های تربیتی فرزندانشان بپردازند.
- (۱۲) - این عمل دانش فرزند را تقویت نموده و بالا می‌برد.
- (۱۳) - حضرت علی (ع)، امام حسن (ع) را تشویق بر خوش فهمی نمودند.^۱

نکاتی پیرامون حضور کودکان در مسجد

- (۱) - یکی از حقوق مسلم کودکان بر والدین، حق تربیت دینی و انتقال آداب به آنان نه تنها از آغاز تولد که حتی در دوران جنینی و پیشتر از آن است و از ارکان مهم تربیت، انتخاب فضای مناسب تربیتی است و بهترین فضا مسجد است؛ چرا که کودک حتی زمانی که در رحم مادر است؛ در حال تربیت پذیری و تأثیرپذیری از محیط پیرامون خود است. از این رو زمینه حضور او را در مسجد فراهم آوریم.
- (۲) - سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) نشان دهنده حضور کودکان در مسجد است.
- (۳) - اگر ما مانع حضور کودکان به ویژه شیرخوارگان در مساجد شویم، ناخواسته از حضور مادران در مساجد جلوگیری کرده‌ایم^۲ و در نتیجه جمع کثیری از بانوان را از مسجد باز خواهیم داشت و این با اهداف اسلام در

۱- فرهنگ فاطمیه (ع)، ص ۵۵ و ۵۶.

۲- اولین کسی که جلو حضور زنان در مسجد را گرفت و آنان را محروم از فیوضات فراوان مسجد کرد عمر بن الخطاب با همدستی عایشه بود. جلوگیری از حضور زنان ضربه‌ای بود که پس از شهادت رسول خدا (ص) به جامعه اسلامی وارد شد؛ در حالی که اولین نماز جماعت را پیامبر (ص) با حضور زنان اقامه کرد. اگر زنان در مسجد حضور می‌داشتند، چه بسا انحرافی در امت اسلامی پیش نمی‌آمد.

مسجد هماهنگی ندارد.

(۴) - کودکان و نوجوانان هدف دشمنان فرهنگ اسلام و تشیع بوده و هستند. بهتر است با فراهم آوردن زمینه‌های حضور آنان در مسجد آنان را یاری کنیم.

(۵) - خاطرات خوش دوران کودکی سرمایه گرایش‌ها و انتخاب‌های جوانی است. با استقبال از کودکان و نوجوانان در مسجد، خاطرات خوشی در ذهن آنان ترسیم کنیم.

(۶) - از مؤثرترین و آسان‌ترین شیوه‌های تربیت کودک آن است که، پدران و مادران آنان را همراه با خود به مسجد ببرند؛ چراکه دلگرمی خاصی دارند، خصوصاً اگر آنان ترغیب عملی و تشویق هم بشوند.

(۷) - کودکان را در مسجد مخاطب قرار دهیم تا احساس کنند در مسجد فرع و تابع نیستند، بلکه اصل هستند.

(۸) - کودکان، غیرمستقیم و به تدریج با نماز و احکام جماعت و آداب اجتماعی آشنا می‌شوند.

(۹) - هنوز مهد کودک و مدرسه نتوانسته جای مسجد را پر کند.

(۱۰) - آینده نیک کودکان در گرو پیوند امروز آنان با مسجد و اهل مسجد است.^۱

وظایف بزرگترها در قبال کودکان

الف: باورها

(۱) - کودکان امروز، پدرها و مادرها و از مسئولین آینده‌ی جامعه‌اند.

(۲) - آینده کودکان مسجدی، روشن‌تر و درخشان‌تر است.

(۳) - همان‌گونه که به فکر غذا، پوشاک و آینده فرزندانمان هستیم، باید به فکر تربیت و تدبیر آنها هم باشیم و این در مسجد آسان و در غیر مسجد محال یا نزدیک به محال است.

(۴) - حضور کودکان در مسجد میل به منکرات را در آنان کاهش می‌دهد و در نتیجه امنیت اخلاقی در خانه و جامعه افزایش می‌یابد.

(۵) - اگر ما را در کودکی به مسجد نبرده بودند، معلوم نبود اکنون در چه وضعیتی قرار داشتیم. پس شایسته است ضمن دعا کردن برای آنان، زمینه دعای خیر فرزندانمان را برای خود فراهم کنیم. کودکان مسجدی امروز در بزرگسالی به یاد خوبی‌های ما خواهند بود و دعای خیر آنان در حیات و مرگ، زمینه جلب رحمت الهی برای ما خواهد شد.

(۶) - اگر کودکان را جذب مسجد نکنیم، دیگران آنان را جذب می‌کنند و ما با مشکلات جدی رو به رو خواهیم شد.

(۷) - فرزند مسجدی، بهترین وارث و مصداق باقیات الصالحات است.

(۸) - اگر ما فرزندان خود را مسجدی تربیت کنیم، ما را در سنین پیری رها نخواهند کرد و بهترین کمک ما خواهند بود.^۱

ب: راه کارها

- (۱)- کودکان را همراه خود به مسجد ببریم و آنان را زیر نظر داشته باشیم.
- (۲)- کودکان را در مسجد زیاد نگه نداریم. آنها همچون بزرگ‌ترها پرحوصله نیستند.
- (۳)- در رفت یا برگشت هدیه‌ای برای آنان خریداری کنیم.
- (۴)- اگر چیزی مثل نان و میوه خریدیم، آن را به نام کودکان به منزل ببریم.
- (۵)- مسئولیت انتظامات کودکان را به افراد میانسال، صبور و خوش اخلاق بسپاریم.
- (۶)- به کودکان مسئولیت بدهیم و آنان را در انجام کارهای مسجد شریک و سهیم کنیم.
- (۷)- ظرفیت و تحمل کودکان را در نظر داشته باشیم.
- (۸)- کودکان را در تنگنا قرار ندهیم و آنان را معطل نکنیم.
- (۹)- کودک را از جایی که در مسجد برای خود انتخاب کرده، بلند نکنیم؛ چون جای او غصب محسوب می‌شود و نماز و نشستن در آن اشکال دارد.
- (۱۰)- دختر بچه‌ها را بیش از پسر بچه‌ها مورد توجه و محبت قرار دهیم؛ چرا که دختران عاطفی‌تر از پسران هستند.
- (۱۱)- در پذیرایی، کودکان را مقدم بداریم.
- (۱۲)- برای کودکان مسجدی نذر و وقف خاص داشته باشیم.
- (۱۳)- هنگام برپایی نماز جماعت، کودکان را بین بزرگ‌ترها در صفوف، حتی در صف اول قرار دهیم که علاوه بر کنترل آنها، احساس خودباوری و

بزرگی را در آنان شکوفا می‌کند.

- (۱۴)- اگر کودکان بدون همراهی والدین به مسجد آمده‌اند، به آنها احترام بگذاریم و آنان را با امام مسجد آشنا کنیم.
- (۱۵)- برای جذب کودکان به مسجد، از آنان پذیرایی کنیم.
- (۱۶)- کلاس آموزشی برای کودکان خصوصاً برای مدرسه‌ای‌ها امر خوشایندی نیست. پس برای آنان کلاس آموزشی نگذاریم و بیشتر با آنان معاشرت و گفتگو کنیم.
- (۱۷)- اگر کودکان خطایی کردند، اگماض کنیم و اگر با آنان برخورد تندی شد، جبران کنیم، نه اینکه با هم آنان را سرزنش کنیم.
- (۱۸)- امتیازات کودکان بر اساس حضور باشد، نه خلایق و هوش و حافظه تا عده‌ای دلزده نشوند.
- (۱۹)- مراقب باشیم کودکان ما را به نام مسجد، به جاهای دیگر نبرند.^۱

۱- فضائل و آداب زیارت مسجد، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.

سن کودک است و پدر و مادر وی وظیفه دارند شرط و لوازم این مهم را برای کودکان خود فراهم سازند. حضرت فاطمه (ع) از همان کودکی با فرزندانش همبازی می‌شد، و به این نکته نیز توجه داشت که در بازی، نوع الفاظ و حرکات مادر، سرمشق کودک، قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید از کلمات و جملات مناسبی استفاده کرد. علاوه بر این باید در قالب بازی های کودکانه شخصیت کودک را تقویت نمود، او را به داشتن افتخارات و ارزش-های اکتسابی، تحریک و تهییج کرد. اینها همه مرهون در پیش گرفتن شیوه‌های صحیح در این رابطه است.^۱

بازی کودک با والدین

برای این که بتوانید بازی جالب و سرگرم کننده‌ای با کودک خود داشته باشید باید شوق بازی با کودک در وجودتان باشد و ضمن بازی تمام حواس خود را به او بدهید. اگر در این چند دقیقه‌ی بازی نظم و دیسپلین و وقار خود را کنار بگذارید و با بچه درست مثل یک بچه بازی کنید هیچ لطمه‌ای به شخصیت شما نمی‌خورد. منتها نقش بچه‌ای باید بازی کنید که عاقل‌تر است و زیرکانه، کودک را از انجام کارهای خطرناک یا تجاوز به حقوق همسایه باز می‌دارد. منظره مادر یا پدری که ضمن بازی با کودک خود چهار دست و پا روی زمین راه می‌رود یا پشت لباس بچه را می‌گیرد و صدای لکوموتیو را در می‌آورد نه تنها خنده آور نیست؛ بلکه تابلوی زیبا و مفرّحی از زندگی است.^۲

بخش سیزدهم: توجه به بازی و تحرک کودکان

علی‌رغم این که ظهور اسلام در محیطی کاملاً بی‌فرهنگ و دور از تمدن بود، اما برنامه و شیوه‌های ارائه شده از طرف اولیای دین، همیشه با انسان-ها از هر تمدن و فرهنگی سازگار است.

از جمله مواردی که در شیوه‌ی تربیت حضرت زهرا (ع) جایگاه خاصی داشت، تحرک و بازی کودکان بود. این فعالیت و تکاپو به قدری برای سلامتی و رشد مناسب کودک، ضروری است که حتی برای تشویق آنها به تحرک و بازی، بزرگ‌ترها نیز باید تن به بازی و جست و خیز بدهند.

بازی در دوران کودکی به منزله‌ی واکنش کودک در برابر عوامل محیطی و بروز استعدادهای نهفته‌ی اوست که تأثیرات آن در کنار تقویت جسم و افزایش بنیه‌ی کودک، قابل توجه است. همچنین بازی، در پرورش نیروی ابداع و ابتکار کودک بی‌نهایت مؤثر است. بنابراین غفلت از بازی به هیچ وجه به صلاح کودک و والدین او نیست.

همبازی شدن رسول معظم اسلام (ص) با فرزندان دخترش حضرت زهرا (ع) بیانگر این نکته‌ی مهم است که بازی و تحرک کودک، یکی از لوازم تربیت صحیح محسوب می‌شود. حضرت علی و فاطمه (ع) در خانه به بازی بچه‌ها توجه کافی مبذول می‌داشتند و همین امر، موجب شادابی و نشاط روزافزون آنها می‌شد.

در مقابل، خانه‌هایی که برای کودک، محیط مناسب و دلنشین برای بازی و تحرک نیست، در روحیه و شخصیت اعضای خردسال آن خانه، اثر نامطلوبی دارد، نباید فراموش کرد که تحرک و بازی، اقتضای طبیعت و

۱- فرهنگ فاطمیه (ع)، ص ۱۷۸

۲- بهداشت مادر و کودک، ص ۳۹۵.

می‌کشند، می‌خندند، در این حرکات کودکان، هیچ نگرانی نباید به خود راه داد و نباید از آنها سلب آزادی نمود؛ بلکه باید به حرکات آنها نظم داد تا نتایج خوبی حاصل شود.^۱

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«يُرْخَى الصَّبِيُّ سَبْعًا وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا وَيُسْتَخْدَمُ سَبْعًا؛ کودک

را باید تا هفت سال آزاد گذاشت و پس از آن در مدت هفت

سال باید به تربیت و ادب او اهتمام نمود.»^۲

چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند خود را آزاد بگذار تا سن

هفت سالگی بازی کند.»^۳

منطق تعلیم اسلام - به شهادت روایات متعددی - هفت سال اول

زندگی کودک را به بازی اختصاص داده است.

اهمیت بازی

بازی برای کودک، ورزش طبیعی است. عضلات او را تقویت می‌کند. هوش و قوای عقلانی او را به کار می‌اندازد و نیرو می‌بخشد. عواطف و احساسات اجتماعی کودک را بیدار ساخته و او را به سوی زندگی اجتماعی و قبول مسئولیت‌ها سوق می‌دهد.

با نگاهی به سیره و روش ائمه اطهار (علیهم السلام) به اهمیت بازی پی خواهیم برد. هم چنان که نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) حتی در جدی‌ترین لحظه‌ها یعنی هنگام اقامه نماز جماعت کودک را از بازی منع نمی‌کردند.

و نیز می‌فرمودند:

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛ کسی که کودکی نزد او

است، باید با او رفتار کودکانه داشته باشد.»^۱

با اندکی مطالعه در روحیه کودکان می‌توان دریافت که کودک همواره با نشاط و فعالیت است کم اتفاق می‌افتد که در یک جا آرام گیرد، و از جنبش جز در مورد خواب باز ایستد، و حتی برخی کودکان در خواب نیز آرام نیستند.

جای تردید نیست که نباید آزادی عمل را از کودکان که سر تا پا نشاط و جنبش هستند سلب کرد. اما نباید آنها را به حال خود واگذاشت، که هر چه می‌خواهند بکنند؛ بلکه باید برای جنبش‌ها و نشاط آنها تدبیری اندیشید، تا نیروی آنها بیهوده از دست نرود.

بچه‌ها جست و خیز می‌کنند و به این سو و آن سو می‌دوند، فریاد

۱ - نوزادی، ص ۴۷۷ - ۴۷۹.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۶.

۳ - من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۲؛ الکافی، ج ۶، ص ۴۶ (ط اسلامی).

۱ - من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۳.

بخش چهاردهم: ارج نهادن به شخصیت فرزندان

دانشمندان روان‌شناس می‌گویند: تربیت‌کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند. او را بزرگ نفس و با شخصیت بار بیاورد.

مربی اگر به کودک احترام نگذاشت و او را کوچک شمرد و شخصیت او را خرد کرد، طبعاً ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آید و خودش را زبون و بی‌ارزش می‌پندارد. هنگامی که بزرگ شد خودش را کوچکتر از آن می‌داند که به کارهای بزرگ اقدام کند، چنین فردی در اجتماع منشأ اثر واقع نخواهد شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهد رفت. اما اگر خودش را بزرگ و باشخصیت دانست، به کارهای پست، تن نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. این شخصیت نفسانی تا حدودی، به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد.

روان‌شناسان برای تقویت روحی کودک مطالبی را به تربیت‌کنندگان توصیه می‌کنند که از جمله‌ی آنها موضوعات زیر است:

اول- اظهار علاقه، محبت و نوازش کودک. این موضوعی است که در ابتدای سخن بدان اشاره شد. و گفتیم که امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) از جهت محبت پدر و مادر و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به قدر کافی برخوردار بودند.

دوم- باید صفات خوب کودک را یادآوری کرد و او را در حضور خودش و دیگران تعریف و توصیف نمود. و بزرگی نفس را به او تلقین کرد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بارها می‌فرمود:

«امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بهترین جوانان

اهل بهشتند و پدرشان از آنان بهتر است.»^۱

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) می‌فرمودند:

«شما ریحان خدایی هستید.»^۲

«ابوبکر» می‌گوید:

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روی منبر نشسته بود و امام حسن (علیه السلام) در پهلویش قرار داشت. گاهی به مردم نگاه می‌کرد و گاهی به امام حسن (علیه السلام) و می‌فرمود: فرزندم امام حسن (علیه السلام)، آقا و بزرگ است، به برکت او در بین امت صورت گیرد.^۳

«جابر» می‌گوید:

روزی داخل خانه‌ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شدم دیدم امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) بر پشت آن حضرت سوارند و آن جناب با دست و پا راه می‌رود و می‌فرماید: بهترین شتر، شتر شما است و بهترین سوار شماید.^۴

«یعلی عامری» می‌گوید:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) روزی امام حسین (علیه السلام) را دید که با بچه‌ها بازی می‌کند، پس دست مبارکش را دراز کرد تا او را بگیرد. امام حسین (علیه السلام) به این طرف و آن طرف می‌دوید. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با شوخی و تبسم او را در بغل گرفت. آن گاه یکی از دست‌هایش

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۴.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۱.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۳۰۵.

۴- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۵.

را زیر چانه‌ی او و دست دیگرش را پشت گردن نهاد و دهان مبارکش را بر لب‌های او گذاشته می‌بوسید و می‌فرمود: حسین (ع) از من و من از حسینم، هرکس او را دوست بدارد، خدا را دوست داشته است. حسین (ع) فرزند دختر من است.^۱

حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) به امام حسن و امام حسین (ع) می‌فرمود:

«شما پیشوای مردم و بزرگ جوانان اهل بهشتید و از ارتکاب گناه معصومید. خدا لعنت کند کسی را که با شما دشمنی کند.»^۲

حضرت فاطمه (ع) روزی امام حسن و امام حسین (ع) را خدمت رسول خدا (ص) آورد و عرض کرد: یا رسول‌الله! امام حسن و امام حسین (ع) فرزند شما هستند. چیزی به ایشان عطا کن.

فرمود: هیبت و سیادت خود را به امام حسن (ع) بخشیدم، و شجاعت وجود خودم را به امام حسین (ع) دادم.^۳

«سلمان فارسی» می‌گوید:

امام حسین (ع) را دیدم که بر زانوی رسول خدا (ص) نشسته بود. او را می‌بوسید و می‌فرمود:

تو بزرگ و بزرگ‌زاده و امام و پسر امام و پدر امامان هستی. تو حجت، پسر حجت و پدر نه حجت می‌باشی که آخرشان

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۱.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۶۵.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۲۶۳.

قائم (ع) است.^۱

آری پیغمبر اکرم (ص) در پرورش شخصیت اولاد حضرت زهرا (ع) کوشش می‌کرد و حضرت زهرا (ع) و حضرت علی (ع) نیز از همین برنامه متابعت می‌کردند. هرگز نشد که کودکان را تحقیر کنند و شخصیت آنها را در حضور دیگران کوچک سازند. و ضربه و شکست بر روحشان وارد نمایند. بدین علت، طبعاً بزرگ و آقا تربیت شده‌اند.

روایت شده که:

شخصی مرتکب گناهی شد که مستوجب کیفر بود، پس خودش را از رسول خدا (ص) پنهان داشت تا گاهی که امام حسن و امام حسین (ع) را در بین راه ملاقات نمود، آنان را بر دوش گرفته خدمت رسول خدا (ص) مشرف شد؛ عرض کرد: یا رسول‌الله! امام حسن و امام حسین (ع) را شفیع قرار دادم.

پیغمبر اکرم (ص) خندید و فرمود: تو را بخشیدم. سپس به امام حسن و امام حسین (ع) فرمود: شفاعت شما را قبول کردم.^۲

برای همین عظمت و بزرگی نفس بود که حضرت حسین بن علی (ع) با سپاه مختصری که داشت، در مقابل سپاه بیشمار یزید پایداری کرد و مردانه جنگ نمود و تن به ذلت و خواری نداد. می‌فرمود:

مانند بندگان فرار نمی‌کنم و تسلیم خواری و ذلت نمی‌شوم.^۳

۱- همان، ج ۴۳، ص ۲۹۵.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۳۱۸.

۳- دانستنی‌های فاطمی، ج ۱، ص ۲۷۰؛ به نقل از: مقتل ابی‌مخنف، ص ۴۶.

در اثر همین تربیت بود که حضرت زینب کبری (ع) با آن همه مصیبت‌هایی که دید خود را در قبال دستگاه ستمگر یزید لعنه الله و العذاب نباخت و مرعوب آنان نشد و به وسیله‌ی خطابه‌های شورانگیزش شهر کوفه و شام را منقلب ساخت و دستگاه جبّار و خونخوار یزیدیان را رسوا و مُفْتَضِح ساخت.

بخش پانزدهم: توجّه دادن فرزندان به رعایت نظم و حقوق دیگران

از دیگر مطالبی که باید همواره مورد توجّه و دقّت پدر و مادر و سایر مربّیان قرار گیرد که مراقب کودک باشند تا از حق خودش تجاوز نکند و حقوق دیگران را نیز محترم بداند. کودک باید منظم باشد. باید نظم در زندگی را به او یاد داد. باید چنان تربیت شود که نه از گرفتن حقّش عاجز باشد و نه حقوق دیگران را پایمال کند. البته شالوده‌ی این صفت در خانه و به دست پدر و مادر ریخته می‌شود، پدر و مادر باید نسبت به تمام کودکان‌شان یک جور رفتار کنند، هیچ یک را بر دیگری مقدّم ندارند. بین پسر و دختر، کوچک و بزرگ، زشت و زیبا، خوش‌فهم و بدفهم فرق نگذارند. حتّی در مورد اظهار محبّت و علاقه هم با همه‌ی آنان یک جور رفتار کنند. تا حسّ حسد و کینه‌توزی در بین‌شان به وجود نیاید. و سرکش و متجاوز بار نیایند.

اگر کودک دید در خانه‌ی خودشان کاملاً حقوق افراد مراعات می‌شود، می‌فهمد که در اجتماع هم باید حقوق افراد را محترم شمرد. اما اگر در خانه هرج و مرج بود و حقوق افراد مراعات نشد، خوی سرکشی و تجاوز در کودک تقویت می‌شود. اگر کودک در مغازه‌ی نانوايي، یا در موقع سوار شدن به اتوبوس، یا در هنگام رفتن به کلاس و بیرون آمدن از مدرسه، نوبت دیگران را رعایت نکرد و حق سایرین را تضییع نمود، پدر، مادر و یا مربّیان دیگر او را در این عمل تشویق کردند، به آن کودک معصوم خیانت نموده‌اند، زیرا از آغاز کودکی می‌پندارد که زورگویی و تعدّی بر دیگران و

بخش شانزدهم: امید دادن به فرزندان در اجابت خواسته‌های مشروع

حضرت فاطمه (علیها السلام) در برخورد با فرزندانش کاملاً مراقب بود و نکات تربیتی را خیلی خوب رعایت می‌کرد. خواسته‌های فرزندانش را به گونه‌ای پاسخ می‌داد که آنها احساس کمبود و یا حقارت در خود نکنند. به عنوان مثال، روایتی است از شیخ مفید (رحمته الله علیه) که حضرت ثامن الائمه (علیه السلام) فرمود:

روزی امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) از کهنگی لباس خود به مادر شکایت کردند و ایام عید نزدیک بود، گفتند: ای مادر! اطفال عرب به انواع جامه‌های فاخر مزین گشته‌اند و به آن مفاخرت می‌نمایند. شما چرا از برای ما لباس نو تهیه نمی‌کنید؟

فرمود: عزیزانم! من در اندیشه‌ی شما هستم و امیدوارم که تا هنگام عید خیاط لباس‌های شما را دوخته به شما برساند. آن دو بزرگوار منتظر بودند تا آنکه شب عید شد، باز همان لباس نو را مطالبه کردند. حضرت فاطمه (علیها السلام) ایشان را تسلی داد. و به گوشه‌ای آمد از روی خضوع و خشوع دست نیاز به درگاه خداوند بلند کرد و عرض کرد: ای خدای مهربان! تو قادری دل فرزندان مرا خوش نمایی به جامه‌ای، که من به ایشان وعده داده‌ام به امید فضل تو. هنوز سخنان حضرت فاطمه (علیها السلام) تمام نشده بود که شخصی در خانه را زد، حضرت فاطمه (علیها السلام) پشت در آمد، فرمود: کیستی؟

تقدّم بی‌جهت، یک نوع زرنگی و هنر است. چنین فردی وقتی وارد اجتماع شد یا در رأس کاری قرار گرفت، تمام مقصدش کوبیدن و پایمال کردن حقوق دیگران خواهد بود و به غیر از نفع شخصی خودش هیچ هدف و منظوری نخواهد داشت.

درس مراعات حقوق دیگران به طور کامل در خانه‌ی حضرت زهرا (علیها السلام) اجرا می‌شد. به قدری در این باره دقت می‌شد که حقوق و نظم را در کوچکترین موارد مراعات می‌کردند.

از باب نمونه: علی بن ابی طالب (علیه السلام) می‌فرماید:

روزی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منزل ما استراحت می‌کردند، امام حسن (علیه السلام) آب خواست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برخاست قدری شیر دوشید و در ظرفی کرده و دست امام حسن (علیه السلام) داد. امام حسین (علیه السلام) از جای خویش بلند شد خواست کاسه‌ی شیر را از دست امام حسن (علیه السلام) بگیرد، اما پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جلوی امام حسین (علیه السلام) را گرفت و نگذاشت شیر را از امام حسن (علیه السلام) بگیرد. حضرت زهرا (علیها السلام) که این منظره را تماشا می‌کرد عرض کرد: یا رسول الله! گویا امام حسن (علیه السلام) را بیشتر دوست داری؟

پاسخ داد: چنین نیست، بلکه علت دفاع من از امام حسن (علیه السلام) این است که او حق تقدّم دارد و زودتر از امام حسین (علیه السلام) تقاضای آب کرده، باید نوبت را مراعات نمود.^۱

بخش هفدهم: توجّه به حضور و غیاب فرزندان

بی‌توجهی نسبت به نظارت بر فرزندان به خصوص در رفت و آمدهای آن‌ها نتایج زیان‌باری به دنبال دارد. با توجّه به خطرات و تهدیدهایی که هر لحظه سعادت یک جوان را در معرض نابودی قرار می‌دهد، لازم است رفتار آن‌ها به ویژه موقع ورود به خانه و زمان خروج از آن مورد دقّت و بررسی قرار گیرد. گفتنی است که اعتیاد، فساد، انحرافات فکری و بسیاری از خطرات دیگر، از همین بی‌توجهی پدر و مادر آغاز می‌شود. حضرت فاطمه (ع) با فداکاری و محبّت خاصی که نسبت به فرزندان نشان می‌داد، مراقب تمام حرکات و سکنات آنها بود و به دقّت رفت و برگشت‌های آنها را زیر نظر داشت. نقل شده است که:

روزی پیامبر (ص) عازم خانه‌ی دخترش حضرت فاطمه (ع) گردید، چون به خانه رسید، دید حضرت فاطمه (ع) مضطرب و ناراحت پشت در ایستاده است.

آن حضرت فرمود: چرا اینجا ایستاده‌ای؟

حضرت فاطمه (ع) با آهنگی مضطرب عرض کرد: فرزندانم صبح بیرون رفته‌اند و تاکنون از آنها هیچ خبری ندارم.

پیامبر (ص) به دنبال آنها روان شد چون به نزدیک غار کوه رسید آنها را دید که در کمال سلامت و آرامش مشغول بازی‌اند آنها را بر دوش گرفت و به سوی خانه فاطمه (ع) روانه شد.^۱

این واقعه خود نمونه‌ای گویا از توجه و اهمیت دادن حضرت زهرا (ع) به حضور فرزندان خردسالش بود.

عرض کرد، منم خیاط، جامه‌های حسنین (ع) را آورده‌ام. فاطمه‌ی زهرا (ع) دید شخصی بچه‌ای در زیر بغل دارد و تسلیم آن بانو نمود، چون آن را گشود، دو عمامه، دو دراعه، دو قبا و دو جفت موزه دید. حضرت صدیقه (ع) زبان به شکر و ثنای رب گشود.

فرزندان عرض کردند: ای مادر! هیچ‌یک از کودکان عرب لباسی بدین لطافت ندیده‌اند و نپوشیده‌اند در آن هنگام رسول خدا (ص) تشریف فرمای سرای حضرت فاطمه (ع) شد و حسنین (ع) را در بر گرفت و می‌بوسید. پس، فرمود: ای فاطمه (ع) این خیاط را شناختی؟

عرض کرد: به خوبی او کسی را ندیدم.

حضرت فرمود: آن خازن بهشت بود و تا این

قصّه را به من خبر نداد به آسمان عروج ننمود.^۲

مطلبی که از این حدیث برداشت می‌شود، اینکه: امید به فضل خداوند در انسان همیشه باید زنده باشد و و نباید از درگاه خداوند ناامید بود، اگر انسان از خداوند بخواهد و طلب کند خداوند اجابت می‌کند و بندگان را ناامید از درگاهش برنمی‌گرداند.

و مطلب دیگر که بسیار مهم است: برخورد حضرت، با فرزندان را نشان می‌دهد، اینکه حضرت به فرزندش دم از فقر و نداری نمی‌زند که بدین وسیله به روحیه‌ی فرزندانش ضربه وارد نشود و احساس کمبود و عقده‌ی حقارت در خود نکند. بلکه فرزندانش را هم با امیدواری به اینکه در آینده، به زودی خواسته‌شان برآورده می‌شود، شاد و خوشحال می‌کند.

فرمود: اول همسایه، سپس خودمان.^۱

در یک قضیه‌ی تاریخی دیگر آمده است:

حضرت فاطمه‌ی زهرا (ع) همچون حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) برای بهبودی امام حسن و امام حسین (ع) از مریضی، سه روز روزه نذر کرده بود و هنگام انجام دادن آن، مجبور شد برای یک نفر یهودی به نام «شمعون» در خانه خودش کار استیجاری نموده و از اجرت آن نان جو تهیه نماید.... چنانچه در تفسیر سوره‌ی هل اتی (دهر) آمده است حضرت فاطمه و حضرت علی (ع) و دیگر خانواده‌ی او سه روز روزه گرفتند و هر شب موقع افطار غذای خویش را به ترتیب به: مسکین، یتیم، و اسیر دادند و همین سوره در مناقب آن حضرت و سایر اهل بیت (ع) نازل گشت....^۲

اگر امام حسن (ع) سه بار اموالش را با فقرا تقسیم نموده و دوبار خلع ید کرده است. در دامان پر مهر و انسان‌ساز مادرش حضرت فاطمه (ع) پرورش یافته... «خَرَجَ مِنْ مَالِهِ مَرَّتَيْنِ وَ قَاسَمَ اللَّهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»^۳ و هم-چنین فرزندان دیگرش که جای بحث آن نیست.

بخش هجدهم: تعلیم فرزندان به نوع دوستی

و رعایت حقوق همسایگان

از جمله روش‌های تربیتی حضرت فاطمه (ع) نوع دوستی او بوده است، که در برابر چشمان تیزبین فرزندان، به مردم کمک می‌کرد و خود گرسنه می‌ماند، ولی دیگران را سیر می‌نمود.^۱

حضرت فاطمه (ع) گردنبندش را به فقرا اיתار کرد و آنان را مورد نوازش قرار داد و از پول آن پارچه‌ها خریداری شد و برای بی‌لباس‌ها، لباس مناسب تهیه گردید... و پرده‌های خانه‌اش در اختیار پیامبر خدا (ص) قرار گرفت و از آن عریان‌ها پوشانده شد و حدیث «فَاطِمَةُ بَضْعَةُ مَنِّي» در حق آن حضرت صادر گشت.

آن حضرت نه تنها در مسائل اقتصادی و رفع مشکلات روزمره‌ی مردم پیشگام بود، حتی از نظر اخلاقی، عواطف انسانی، ارشاد، هدایت مردم نیز به کمک آنان می‌شتافت، مصالح مردم را پی‌گیری می‌کرد، در حق‌شان دعا می‌فرمود و از این طریق فرزندان خویش را با چنین عواطف اسلامی پرورش می‌داد.

حضرت امام حسن (ع) می‌فرمایند:

شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت پرداخت و مرتب مؤمنین و دیگران را دعا می‌کرد، ولی در حق خود ساکت بود. از علت آن پرسیدم،

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۳، ح ۷؛ بحار ج ۴۳، ص ۸۱ و

۲- فرائد السمطين، ج ۲، ص ۵۴، ش ۳۸۳؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۳۷- تفاسیر مختلف ذیل آیات مربوطه...

۳- العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، ص ۲۹؛ الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمیم، ص ۴۹۲.

نجات داد.^۱

عطوفت و مهر مادری در حضرت زهرا (ع) به قدری بود که در لحظات پایانی عمر خود، سخت نگران حال فرزندانش بود. شاید بیشترین نگرانی آن حضرت برای محرومیت آنها از مادر بود، زیرا او می دانست که پس از شهادتش، هیچ کس نمی تواند مهر و محبت مادری را نسبت به آنها داشته باشد.

حضرت فاطمه ی زهرا (ع) برای این که فرزندانش از این نعمت بزرگ یعنی محبت مادرانه، کاملاً محروم نمانند، به حضرت علی (ع) پیشنهاد کرد و از ایشان خواست که پس از او، کسی را به همسری انتخاب کند، که بتواند از عهده ی این مهم برآید.^۲

پس از شهادت رسول گرامی (ص)، مقداری از غم های حضرت زهرا (ع) به محرومیت فرزندانش از محبت پیامبر (ص)، مربوط می شد و گاهی با قلبی سوزان، خطاب به فرزندانش چنین می گفت:

کجا رفت پدرتان، پیامبر (ص) که شما را عزیز می داشت؟ او شما را بر دوش خود سوار می کرد و به شما مهربانی می نمود.
کجا رفت جدّ بزرگوارتان که از همه به شما مهربانتر بود،
آن گونه که نمی گذاشت شما بر روی زمین راه بروید و همیشه شما را در آغوش خود داشت؟ آه! که دیگر او را نمی بینم که شما را بر دوش گرفته باشد.^۳

بخش نوزدهم: توجه به نیازهای کودکان

از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی فرزند، تغذیه و بهداشت است. تأمین اینگونه نیازها جسم و روح کودک را آرام و آسوده نگه می دارد، سلامتی و صلابت روح او را تا پایان عمر تضمین می کند. ناهنجاری های فراوانی که در انسان های بزرگ دیده می شود، به نوعی ریشه در نیازهای این دوره از زندگی آنها دارد. علاوه بر این، نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود. بی شک، یک جسم بیمار، روح را پژمرده و بی نشاط می سازد، همان گونه که روح افسرده، موجب اخلال در فعالیت های بدن می گردد.

بارها در تاریخ خوانده ایم که گاه، حضرت فاطمه ی زهرا (ع) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود، سیر می کرد.

زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب، سخت در مضیقه بودند، حضرت فاطمه (ع)، امام حسن و امام حسین (ع) را نزد پیامبر (ص) برد و عرض کرد: ای رسول خدا (ص)! فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی در توان آنها نیست.

پیامبر (ص) که نگرانی دخترش را در این رابطه، به جا و به موقع دید، زبان مبارکش را در دهان امام حسن و امام حسین (ع) قرار داد و با تر کردن دهان آنها، حضرت زهرا (ع) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۹۴؛ فرهنگ فاطمیه (ع)، ص ۱۷۷.

۲- همان، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳- همان، ج ۳، ص ۳۶۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۱.

بخش بیستم: توجه به سلامتی فرزندان

یکی از عوامل مؤثر در سلامت و نشاط روحی و جسمی کودک، تغذیه سالم، حلال و دوست‌داشتنی برای او یعنی شیر مادر است. که البته این امر، تأثیرگذار در شخصیت انسان‌های بزرگ می‌باشد. با دقت در سیره‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در می‌یابیم که امر تغذیه‌ی کودکان دقیقاً مورد توجه ایشان بوده است. علاوه بر این نباید از تأثیرگذاری متقابل روح و جسم غافل بود، بی‌شک یک جسم بیمار روح را پژمرده و بی‌نشاط می‌سازد، همان‌گونه که روح افسرده موجب اخلال در فعالیت‌های بدن می‌گردد. بارها در تاریخ خوانده‌ایم که:

گاه حضرت فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) شکم فرزندان را به قیمت گرسنگی خود سیر می‌کرد. زمانی که مسلمانان به علت کمبود آب سخت در مضیقه بودند فاطمه (علیها السلام) حسن و حسین (علیهم السلام) را نزد پیامبر برد و عرض کرد ای رسول خدا ﷺ فرزندان من خردسالند و تحمل تشنگی ندارند پیامبر ﷺ که نگرانی دخترش را در این رابطه به جا و به موقع دید زبان مبارکش را در دهان امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) قرار داد و با تر کردن دهان آنها حضرت زهرا (علیها السلام) را از نگرانی درآورد و آن دو طفل کوچک را نیز از تشنگی مفرط نجات داد.

یکی از وظایف والدین به ویژه مادر مراقبت از سلامتی جسمی فرزندان است. حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان مادری نمونه در این مورد نیز حساسیت خاص داشتند که نمونه‌ای از آن در قصه‌ی سوره‌ی «هل اتی» و مریضی حسنین (علیهم السلام) و نذر سه روز روزه‌ی فاطمه (علیها السلام) برای بازگشت سلامتی و صحت به فرزندان خود می‌باشد.

بخش بیست و یکم: استفاده و به کارگیری عوامل معنوی

برای حل معضلات و مشکلات

یکی از متدها و اصول حاکم بر زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) دخالت دادن عوامل معنوی در شئون زندگی مادی می‌باشد. عقیده‌مندی حضرت به تأثیر عوامل معنوی و به کارگیری آنها در جای جای زندگی آن بانوی با کرامت و با فضیلت جلوه‌گری دارد.

به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

الف: هنگامی که امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) مریض شدند، حضرت زهرا (علیها السلام) برای شفای آنان از عامل معنوی نذر کردن استفاده نمودند. که جریان «سوره هل اتی» به این واقعه نذر حضرت می‌پردازد.

از وظایف والدین، دقت در سلامت جسم و جان فرزندان است. حضرت زهرا (علیها السلام) به عنوان الگو و مادر نمونه، با حساسیت بالایی این مسئله را پی‌گیری می‌کرد و چنان چه فرزندانش بیمار می‌شدند با توکل به خدا و دعا به درگاه او برای آنها طلب سلامتی کرد. همان‌گونه که ابن عباس می‌گوید: حسنین (علیهم السلام) بیمار شدند. پیامبر با جمعی از یاران به عیادتشان آمد به حضرت علی (علیهم السلام) گفتند: ای ابالحسن! خوب بود نذری برای شفای فرزندان خود می‌کردی. حضرت علی و فاطمه (علیها السلام) و فضه خادمه نذر کردند که اگر آنها شفا یابند، سه روز روزه بگیرند.

وقتی امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) مریض شدند، حضرت زهرا (علیها السلام) آن دو بزرگوار را در آغوش گرفته و نزد پیامبر ﷺ برد و فرمود: قالت: ان بریء الوالدی مما بهما صحت لله ثلاثۃ ایام شکراً

اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز برای خدا جهت شکرگذاری روزه^۱ خواهم گرفت.^۲

ب: تقاضای دعا از پیامبر برای شفای فرزندان

امام حسن (علیه السلام) مریض شد و درد و بی‌تابی آن بزرگوار بالا گرفت. حضرت زهرا (علیها السلام) فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برده و فرمود: «یا رسول الله ادع الله لابنک ان یشفی؛ ای رسول خدا! پروردگارات را بخوان تا فرزندت را شفا دهد».^۳

ج: استفاده از تعویذات^۴ و دعاها برای حفظ فرزندان

از حضرت زهرا (علیها السلام) نقل است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) را تعویذ می‌کرد و همان‌گونه که آیات قرآن را تعلیم می‌داد این کلمات تعویذ را نیز به آنها می‌آموخت و می‌فرمود: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَآمَةٍ؛ من از شر هر شیطانی و هر گرفتاری و از هر چشمی

سرزنش کننده به کلمات تامه خداوندی پناه می‌برم».^۱

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نزد فاطمه (علیها السلام) آمده دید که امام حسن (علیه السلام) بیمار است، بسیار ناراحت شد. جبرئیل نازل شده گفت: ای محمد! آیا حرز و دعایی به تو بیاموزم که آن را بخوانی تا بیماری اش بهبود یابد؟ فرمود: آری.

گفت: بگو:

«اللهم لا اله الا انت العلی العظیم، ذو السلطان القدیم و المن العظیم و الوجه الکریم، لا اله الا انت العلی العظیم، ولی الکلمات التامات و الدعوات المستجابات، خل ما أصبح بفلان»

حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) این دعا را خواند و بعد دست مبارکش را بر پیشانی امام حسن (علیه السلام) گذاشت، که به یاری خداوند بهبود یافت.^۲

۱ - در نذر باید نام خدا برده شود و صیغه و لفظ به کار برده شود. نذر بدون صیغه و لفظ از جمله نذرهایی است که اساس درستی ندارد و منعقد نمی‌شود. همان‌طور که می‌بینیم حضرت زهرا (علیها السلام) در نذرشان نام خدا و نوع نذر را بر زبان جاری نموده‌اند.

۲ - نهج الحیاء، ص ۱۵۸، ح ۸۶؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۴۵؛ کشف الغمه، ص ۴۶.

۳ - نهج الحیاء، ص ۱۵۰.

۴- تعویذات جمع تعویذ- به معنای دعاها یا است که بر کاغذ می‌نویسند و برای دفع چشم بد و رفع بلا با خود حمل می‌کنند. (نقل از فرهنگ عمید).

۱ - فاطمه زهرا (علیها السلام) شادمانی دل پیامبر، ص ۴۲۹.

۲ - مهج الدعوات، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.

منابع و مأخذ

- الأمالی صدوق، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
- آیین بندگی و نیایش، ترجمه عده‌الداعی، مؤلف: ابن فهد حلی، احمد بن محمد، مترجم: غفاری ساروی، حسین، انتشارات بنیاد معارف اسلامی، قم، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۱ ش.
- بحارالأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- بهداشت مادر و کودک، ترجمه: اردکانی(شاهین)، سوسن، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ش.
- تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
- ترجمه محاضرات فی الہیات، مؤلف: سبحانی تبریزی، جعفر، مترجم: سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم، انتشارات رائد، قم، چاپ ششم، ۱۳۹۴ ش.
- توضیح المسائل مراجع، بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، قم، تابستان ۱۳۸۱ ش.
- حکمت‌نامه کودک، محمدی ری شهری، محمد، همکار و مترجم: پسندیده، عباس، ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، چاپ ششم، ۱۳۹۴ ش.
- حلیه المتقین، مجلسی محمد باقر، ناشر: نسیم حیات، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
- الخصال (شیخ صدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
- دانستنی های فاطمی، غزالی اصفهانی، علی، انتشارات عطر عترة، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، شامی، یوسف بن حاتم، ناشر: جامعه مدرسین، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
- دستورات زندگی، مقدم، سید محمد تقی، ناشر: انتشارات مقدم، مشهد، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۸ ش.
- دعائم الإسلام، ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق/مصحح: فیضی، آصف، ناشر: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق.

- روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط- القدیمه)، مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، محقق/مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهااردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
- ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار علیہم السلام، جزائری، نعمت الله بن عبد الله، ناشر: مؤسسه التاريخ العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق - ۲۰۰۶ م
- سحاب رحمت، اسماعیلی یزدی، عباس علی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۰ ش.
- العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)، محقق/مصحح: رجائی، مهدی و مرعشی، محمود، ناشر: کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- علل الشرائع (شیخ صدوق)، ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- عوامل العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نورالله، محقق/مصحح: موحد ابطاحی اصفهانی، محمد باقر، ناشر: مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- عیون أخبارالرضا علیہ السلام، ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: لاجوردی، مهدی، ناشر: نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- غم نامه کربلا، ترجمه اللہوف علی قتلی الطفوف، ابن طاووس، علی بن موسی، مترجم: محمدی اشتهااردی، محمد، نشر مطهر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- غنچه یاس، محسن بن فاطمه علیها السلام، فاطمی، مهدی، ناشر: مؤلف، زمستان ۱۳۸۵ ش.
- فاطمه الزهرا علیها السلام، شادمانی دل پیامبر، ترجمه‌ی کتاب فاطمه الزهرا علیها السلام بهجة قلب المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، رحمانی همدانی، احمد، مترجم: افتخار زاده سبزواری، سید حسن، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، قم، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۱ ش.
- فرهنگ فاطمیه علیها السلام، الفبای شخصیتی حضرت زهرا علیها السلام، نیلی پور، مهدی، انتشارات مرکز فرهنگی شهید مدرس، اصفهان، چاپ ششم، ۱۳۸۷ ش.
- الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق/مصحح: القائینی، محمد بن محمد الحسین، ناشر: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا علیہ السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش.

فضایل و آداب زیارت مسجد، قرائتی، تقی، تهیه و تدوین: موسسه مسجد، ناشر: راه سبز، قم، چاپ اول، بهار ۱۳۹۳ ش.

کافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/مصحح: دارالحدیث، ناشر: دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.

الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق/مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة (ط - القديمة)، اربلی، علی بن عیسی، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، هاشم، ناشر: بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، ناشر: الشریف الرضی، قم، چاپ چهارم، سال چاپ: ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش.

مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ناشر: علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ق.

مهج الدعوات، سید بن طاووس، ترجمه: عطایی، م، انتشارات چاف، قم، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.

نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین (للفیض)، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، محقق/مصحح: انصاری قمی، مهدی، ناشر: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.

نوزادی، جمعی از محققین مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ناشر: انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، چاپ سوم، پاییز ۱۳۹۳ ش.

نهج الحیاء، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، دشتی، محمد، ناشر: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، چاپ دوم، آبان ۱۳۷۲ ش.

وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ناشر: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

هفتاد و پنج درس از سیره عملی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، کفاش، حمید رضا، انتشارات عابد، تهران، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۱ ش.